

مبارزات انتخاباتی در سنت پیترزبورگ

و. ا. لنین

ترجمه ر. سلطانی / ج. بهروزی

انتشارات دامون

چاپ اول: زمستان ۱۳۵۸

تهران. ایران

فهرست مطالب:

- مبارزه انتخاباتی سوسیال دمکراتیک در سنت پیترزبورگ
- نزول پله به پله
- اعتراض سی و یک منشویک
- چگونه در انتخابات سنت پیترزبورگ رأی دهید
- انتخابات سنت پیترزبورگ و دورویی سی و یک منشویک
- انتخابات سنت پیترزبورگ و بحران اپورتونیزم

□ مبارزه انتخاباتی سوسیال دموکراتیک

در سنت پیترزبورگ

سنت پیترزبورگ ، ۱۸ ژانویه ۱۹۰۷

مبارزه انتخاباتی در سنت پیترزبورگ کاملاً در جریان است. لحظه تعیین کننده بزودی فرا می رسد: در مرحله اول، چند روز آینده گروه بندی نهایی احزاب را در انتخابات آشکار خواهد کرد. کمی ها باهمند و چه کسانی علیه هم. در ثانی، خود انتخابات نیز، خیلی نزدیک است.

انتخابات در پایتخت از اهمیت عظیمی برخوردار است. دیدگان تمام روسیه، اینک، متوجه سنت پیترزبورگ است. در اینجا، نبض زندگی سیاسی تندتر می زند و حکومت، بیش از هر جای دیگر، در این جا محسوس است. این جا محل ستادهای مرکزی تمام احزاب، روزنامه های

برجسته تمامی گرایشات و تمایلات و مکانی برای بهترین سخنرانان در
مبارزات انتخاباتی است.

از پیش می توانیم قاطعانه و با تأکید بگوئیم - سنت پترزبورگ
آزمون خود را داده است. مبارزه انتخاباتی در سنت پترزبورگ از هم
اکنون مواد سیاسی - آموزشی خیره کننده ای را فراهم آورده و روز بروز
نیز این مواد را غنی ترمی کند. این مواد باید، پیگیرانه، مطالعه شود،
باید، بطور منظم، جمع آوری شود، و در خدمت پروردن هر چه برجسته تر
و عریانتر پایگاه طبقاتی احزاب قرار گیرد. و این دانش زنده و مستقیم،
که هر فرد و شخص را جذب و تحریک می نماید، باید به میان وسیعترین
اقشار ممکن کارگران و به دور افتاده ترین مناطق روستایی برده شود.

ما خواهیم کوشید که این مواد را، البته بصورت اجمالی، جمع-
آوری نمائیم. بگذار خواننده نگاهی به عقب بیفکند و به کل دوره مبارزه
انتخاباتی در سنت پترزبورگ عمیقاً بیندیشد، تا بتواند تصویری منسجم
و واقعی از نقشی که سوسیال دموکرات ها بازی کردند، به دست آورد و
خود را به دست حوادث جزئی روز و سفسطه بازی های رنگارنگ و پسر
سروصدای سیاسی نسپارد.

مرحله نخست . سوسیال دموکرات ها تدارك تشوريك برای
انتخابات می بینند . برجسته ترین نمایندگان جناح های راست و چپ
نقطه نظر های خود را بیان می کنند . نخست ، منشویک ها که کاری
نمی کنند مگر نوسان : (۱) چروانین (Cherevanin) طرفدار توافق با
کادتهاست . (۲) مطبوعات کادت هلهله می کنند و امواج سرور و
شادمانی به سرتاسر روسیه می فرستند. (۳) مارتف در روزنامه تاواریش
به هواداری از يك لیست انتخاباتی صرفاً سوسیال دموکراتیک و
نزدیکی با بلشویک ها (پروتاری شماره ۱) حتی برای برسمیت

شناختن عمومی امکان توافق با ترودویکسها (Trudoviks) علیه کادتها، به اعتراض برمی خیزد. (۴) بلشویک به هواداری از لیست انتخاباتی صرفاً سوسیال دموکراتیک برمی خیزند ولی، در عین حال، توافق با دموکراتهای انقلابی را هم منتفی نمی دانند. (۵) در مطبوعات بورژوازی، پلخانوف از پیوند (بلوک) با کادتها هواخواهی می کند. (۶) نوسان در میان منشویکها: لارین خشمگینانه پیوند با کادتها را ننگی برای سوسیال دموکراسی می داند و محکوم می نماید؛ نیک یوردانوسکی (۶) (Nik.I-Sky) امکان پیوند با کادتها را می پذیرد ولی پیوند با ترودویکها بر علیه کادتها را ترجیح می دهد. (۷) مارتف و تمام منشویکها ۱۸۰ درجه چرخش نشان می دهند و به سوی پلخانوف می چرخند.

کنفرانس سرتاسری روسی حزب کار سوسیالدمکرات روسیه (۷) دو گرایش مشخص را ثبت می کند: منشویکها و بوندیستها (Bundists) هواخواه پیوند با کادتها هستند: بلشویکها، لهستانیها و لیتوانیها مصرانه مخالف چنین پیوندی هستند، ولی امکان توافق با دموکراتهای انقلابی را می پذیرند.

مرحله دوم. ایده پیوند با کادتها در مطبوعات گسترش می یابد. پلخانوف تا آنجا پیش رود که از «دومائی با قدرت کامل» سخن می گوید، و بدینگونه منشویسم را به رسیدن به چیزی پوچ تهدید میکند. او، در آرزوی نزدیکتر و همراه تر کردن منشویکها و کادتها، به نتیجه ای عکس دست می یابد (بخاطر ناتوانی کاملش در درک وضعیت سیاسی) او شکاف بین آنان را عمیقتر می کند. از یک سو، حزب کادتها رسماً ایده «دومائی با قدرت کامل» را به عنوان یک توهم انقلابی رد می کند و پلخانوف را به مسخره می گیرد. کاملاً آشکار است که کادتها

خواستار و طالب يك بلوك ايدئولوژيـك ، انقياد چپ‌ها به رهبری كادت‌ها و مصالحه با تاكتيك‌های ضدانقلابی كادت‌ها هستند. از سوی دیگر، زیاده‌روی و حرارت مفرط پلخانوف باعث اغتشاش در صفوف منشويك‌ها می‌شود : هم‌بوندیست‌ها و هم منشويك‌های قفقاز ، رسماً اظهارات پلخانوف را محكوم کرده‌اند. کمیته مرکزی، که منشويك‌ها در آن اکثریت دارند ، سرگردان و گیج ، ساکت می‌ماند. پلخانوف نیز ساکت و منزوی می‌شود .

مرحله سوم . شروع عمل توده‌ای . میتینگ‌های انتخاباتی در مسکو و سنت پترزبورگ . تندبادی از هوای تازه و آزاد از خیابان‌ها به داخل جو دود گرفته نیرنگستان سیاسی روشنفکرانه می‌وزد. ماهیت افسانه‌ای خطر صدسیاه (۹) ، یکباره، برملا می‌شود ؛ خیابان از بحث بلشويك‌ها مبنی بر اینکه كادت‌ها، بادادو بیدادشان بر علیه خطر صدسیاه، فرصت طلبان را زیر نفوذ خود درمی‌آورند تا تهدیدی را که از سوی چپ متوجهشان است بر گردانند، حمایت میکند. مبارزه در میتینگ‌های انتخاباتی در سنت پترزبورگ و مسکو ، در اساس ، مبارزه‌ای است بین كادت‌ها و سوسیال دموکرات‌ها ، و عمدتاً سوسیال دموکرات‌های بلشويك . كادت‌ها در تلاشند که همه را - خیابان‌ها، ازدحام‌ها و توده‌ها را به راست بکشانند ؛ آنها مخالف خواستهای انقلابی‌اند و تحت پوشش تعقیب راه «پارلمانتاریسم مسالمت آمیز» ستایش فوق‌العاده‌ای از معامله بامرتجعین میکنند . سوسیال دموکرات‌های بلشويك توده‌ها را ؛ چپ می‌خوانند و خصمت فریب آمیز ؛ احمقانه و طبقاتی افسانه‌های مزبوط به شیوه‌های صلح آمیز را افشا می‌نمایند . منشويك‌ها در پس زمینه گم می‌شوند (با اجازه مطبوعات كادت که این چنان شیفته‌شان نیز هستند) ؛ آنان ، با کمرویی و خجالت از كادت‌ها انتقاد می‌کنند، البته

نه به صورتیکه در خور سوسیالیست‌ها باشد ، بلکه مثل کادتها می‌گویند .

مرحله چهارم . کنفرانس تشکیلات (۱۰) سوسیال دموکراتیک سنت پترزبورگ تشکیل می‌شود . در این کنفرانس ، که از سوی تمام اعضای حزب سوسیال دموکرات بر مبنای بحث و جدل (یعنی از افکار عمومی مسأله توافق با کادتها خواسته شده بود) انتخاب شده بود ، بلشویک‌ها در برتری مطلق بودند - صرفنظر از اینکه آیا آراء مورد جدل هر جناحی شمرده شود یا نه ، یا به صورت خاصی شمرده شود . منشویک‌ها از کنفرانس بیرون می‌روند و تا کتیک‌های نفاق افکنانه را پیش می‌گیرند . ظاهراً ، آنها می‌کوشند که امر خویش را از طریق موشکافی‌های مسخره و فلاکت‌باری در مورد تشکیلات پیش ببرند (آنها ادعای آنند که تأیید اعتبار نامه‌ها توسط بلشویک‌ها خلاف قاعده است ، هر چند که بلشویک‌ها در موضع برتر باشند ، یا اینکه کنفرانس از تقسیم به دو بخش ، یعنی بخش شهرها و بخش مربوط به حومه * (guberina) امتناع ورزیده است ، هر چند که کمیته مرکزی طبق دستورات ، حق ندارد این مسأله را بخواهد ، و این را از ویلنو (Wilno) ، اودسا (Odessa) یا هر شهر دیگر نخواسته است)

در عمل ، دلیل نفاق افکنی منشویک‌ها برای همه آشکار است :

* گوبرینا ، توپزد ، ولوست - واحدهای اداری - اقلیمی روسی . بزرگترین این‌ها گوبرنیا بود که سه توپزدها تقسیم می‌شود و آنها هم به ولوست‌ها بخش می‌شدند . این نوع تقسیم‌بندی در دوره قدرت شورایی نیز تازمان ارائه تقسیمات اداری - اقلیمی نوین کشور در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۰ ادامه داشت .

سوسیال دموکرات‌های فرصت‌طلب پرولتاریا را در دامان بورژوازی
لیبرال‌رها می‌کنند، و سازمان‌های سوسیال دموکراتیک کارگران را
به دامان گروه‌های انتخاباتی غیرحزبی و بی‌هویت می‌اندازند.

کنفرانس مطلقاً واقعی به بیرون رفتن منشویک‌ها از کنفرانس
نمی‌نهد و به کار خویش ادامه می‌دهد. در سنت پترزبورگ، حتی
بین بلشویک‌ها نیز جدل وجود دارد؛ بلشویک‌های به اصطلاح ناب هیچ
توافقی با هیچ حزبی به هیچ شکل ندارند. به اصطلاح «ناراضیان»
خواه توافق با دموکراسی انقلابی، یعنی با ترودویک‌ها، هستند
تا ژمونی کادت‌ها بر توده‌های ناآگاه طبقه کارگردر پایتخت روسیه از
هم بپاشد. در موارد متعددی، این جدل‌ها بین «ناب‌گرایان» و
«ناراضیان» حاد می‌شود، ولی عملاً تمام بلشویک‌ها به این مسأله آگاهی
کامل دارند که این عدم توافق‌ها آن‌ها را در مورد مسائل اصولی از هم
جدا نمی‌کند، بلکه، صرفاً به تحریک یک بحث کامل و چانه‌زنی در
مورد تمام شانس‌ها و چشم‌اندازهای انتخابات خدمت می‌کند.

پرولتاریای سوسیالیست نمی‌تواند از دادن رخصت به توده‌های
خرده بورژوازی غیر سوسیالیست برای تعقیب رهبری خویش امتناع
ورزد، به این منظور که ممکن است این امر آن‌ها را از نفوذ کادت‌ها
آزاد سازد. کنفرانس، پس از یک بحث کامل قطعنامه‌ای را تصویب
میکند که به سوسیال‌رواوسیونرها و کمیته گروه ترودویک برای توافق
بر سر پایه‌های زیر پیشنهاد شود: دو کرسی برای قلمرو کارگری، دو تا
برای سوسیال دموکرات‌ها و دو تا برای ترودویک‌ها.

در سنت پترزبورگ، این تنها تصمیم درست و ممکن بود،
وظیفه شکست دادن کادت‌ها را نمی‌شد فراموش کرد؛ اگر دویست
انتخاباتی چپ وجود می‌داشت، خطری به عنوان خطر صدسیاه وجود

نداشت؛ ولی اگر چپ‌ها بیشتر از هم جدا می‌شدند، این خطر وجود داشت و در آن موقع متحد کردن توده‌های رأی‌دهنده غیر ممکن می‌شد. پیشنهاد کنفرانس برتری سوسیال‌دموکرات‌ها را دست‌نخورده باقی گذاشت و هژمونی ایدئولوژیک و سیاسی سوسیال‌دموکراسی را در خلوص کامل اصول آن انسجام بخشید.

در مورد حزب سوسیالیست توده‌ای، کنفرانس تصمیم گرفت آن را به خاطر گریزان بودنش از موضوعات اساسی مبارزه در خارج از دوما، به‌عنوان یک حزب نیمه‌کادت، از این بلوک کنار بگذارد. کاملاً معروف است که پس از انحلال مجلس دوما، این حزب از خرده‌بورژوازی انقلابی جدا شد و شروع به موعظه احتیاط و میان‌روی در مطبوعات رسمی کرد.

لازم به گفتن نیست که سوسیال‌دموکراسی انقلابی می‌بایست از سوسیال‌رولوسیونرها می‌خواست که برخورد مشخص را نسبت به چنین حزبی بپذیرد، و یا در بیرون کردن آن پافشاری نماید (به احتمال زیاد اگر منشویک‌ها سوسیالیست‌ها را در آن لحظات تعیین‌کننده به نفع کادت‌ها تنها نمی‌گذاشتند این کار کاملاً عملی بود)، یا حداقل هر گونه امکان چنین عملی را نسبت به ترودویک‌ها رد کند.

مرحله پنجم. نفاقى که منشویک‌ها بوجود آوردند امیدهای فراوانی را در کل بورژوازی لیبرال برانگیخت. تمام مطبوعات کادت‌ها هلهله می‌کنند. هلهله بخاطر انزوای بلشویک‌های مورد تنفر، و روش شجاعانه‌ای که با آن منشویک‌ها از بلوک انقلاب به بلوک «اپوزیسیون» رفتند. رش (۱۲)، نویسنده این بیان‌اخیر، با تبختر تمام به منشویک‌ها و سوسیالیست‌های توده‌ای عنوان «احزاب سوسیالیست میانه‌رو» بخشیده است. در حقیقت، این احساس ایجاد می‌شود که کادت‌ها رأی تمامی

خرده بورژوازی (یعنی تمام ترودویک‌ها از جمله سوسیال-
رولوسیونرها) و تمام بخش خرده بورژوازی حزب کارگران ، یعنی
منشویک‌ها را بدست خواهند آورد .

بلشویک‌ها به آرامی فعالیت‌های مستقل خود را ادامه می‌دهند .
آنها می‌گویند ، خوشحالیم که خودمان را از این کار کثیف ، از این
خیانت و تزلزل خرده بورژوازی جدا می‌کنیم . ما تا کتیک‌های خود
را فدای بدست آوردن کرسی نخواهیم کرد . ما اعلام می‌کنیم : در
هر صورت سه‌لیست انتخاباتی در سنت پترزبورگ خواهد بود : صد
سیاه ، کادت ، و سوسیال دموکراتیک .

مرحله ششم . انتخابات در قلمرو کارگری و افشای دودوزه‌بازی
ترودویک‌ها .

در قلمرو کارگری سوسیال دموکرات‌ها برنده می‌شوند ، ولی
سوسیال رولوسیونرها سهم بیشتری از آراء را ، از آنچه که ما انتظار
داشتیم بدست می‌آورند . چنین برمی‌آید که عمدتاً منشویک‌ها بودند
که سوسیال رولوسیونرها آنها را در قلمرو کارگری شکست دادند . ما اطلاع
پیدا می‌کنیم که در حومه ویبورگ ، پایگاه منشویک‌ها ، سوسیال
رولوسیونرها بیشتر از سوسیال دموکرات‌ها انتخاب میشوند .

بنابراین کشور ما پدیده‌ای را شاهد می‌شویم که مدت‌ها در دیگر
کشورها دیده شده بود . اپورتونیزم در سوسیال دموکراسی چنان
برای توده‌های زحمت کش تنفر آور است که آنها را به سوی
بورژوازی انقلابی می‌کشاند . سیاست کاملاً متزلزل و ناپایدار منشویک‌ها
سوسیال دموکراسی را شدیداً تضعیف می‌کند و دست کادت‌ها را در
قلمرو شهری و سوسیال رولوسیونرها را در بخش کارگری باز می
گذارد .

تنها سوسیال دموکراسی انقلابی است که می تواند بانیاذهای
توده های پرولتری همسوئی نشان دهد و آنان را از تمام احزاب خرده
بورژوازی ، برای همیشه ، بیگانه کند .

با این حال ، سیر حوادث دورویی ترودویک ها را بر ملا می
سازد . در قلمرو کارگری ، آنها (سوسیال رولوسیونرها) ماراشکست
می دهند و این امر از طریق شکست دادن منشویک ها که هواخواه
پیوند با کادتها هستند انجام می گیرد . در عین حال آنان در مبارزه
انتخاباتی ، بی اصول ترین بازی را انجام می دهند . آنان هیچ اطلاعیه
حزبی صادر نمی کنند ، هیچ تصمیم تشکیلاتی مستقلی را چاپ نمی
کنند ، هیچ بحث علنی در مورد مسئله پیوند با کادتها را هدایت نمی
کنند . ممکن است چنین به نظر آید که آنها ماهرانه دارند تمام شمع ها
را خاموش می کنند - مثل کسانی که برای اعمال سیاهشان نیاز به تاریکی
دارند .

گفته می شود که سوسیال رولوسیونرها بلوکی با سوسیالیست های
توده ای تشکیل داده اند . اما هیچ کس شرایط و خصیلت این بلوک را
نمی شناسد . فقط حدسیاتی وجود داد . گفته می شود (رجوع کنید به
رودنا بارملیا ۱۵ ژانویه ؛ این روزنامه ای است که آقای تان (۱۳) نویسنده اش
است) که سوسیال رولوسیونرها هوادار ایجاد یک بلوک با کادتها
می باشند . هیچکس حقیقت را نمی داند . فقط حدسیاتی وجود دارد .
چنین درهم ریختگی بی درمیتینگ های انتخاباتی بر ملا می شود : یک
سوسیال رولوسیونر ، همراه با سوسیالیست های توده ای ، از ایجاد
بلوک با کادتها پشتیبانی می کند ؛ یکی دیگر قطعنامه ای علیه ایجاد
بلوک با کادتها و در جهت ایجاد بلوک با تمام چپ ها علیه کادتها
ارائه می کند .

ناپایداری و دورویی کامل تمامی خرده بورژوازی ، از جمله انقلابی ترین بخش آن ، حالا دیگر آشکارا برای توده ها نمایانده می شود. اگر فرصت طلبان خرده بورژوا در صفوف سوسیال دموکراتیک خود ما وجود نداشتند، فرصت درخشانی داشتیم که به تمام کارگران توضیح دهیم که چرا تنها سوسیال دموکرات ها هستند که قادر به دفاع صادقانه و پیگیر از منافع آنان می باشند .

بر همین پایه است که بلشویک ها آژیتاسیون خود را انجام میدهند بلشویک ها پیگیرانه خط خود را دنبال می کنند . در سنت پترزبورگ مطمئناً باید لیست های انتخاباتی کادت و سوسیال دموکراتیک وجود داشته باشند . تصمیم ما وابسته به نوسانات خرده بورژوازی نیست ؛ اگر آن ها به فراخوان ما پاسخ دهند و خط پرولتاریا را در مقابل خط لیبرال ها تعقیب نمایند، بیشتر به نفعشان خواهد بود. در غیر این صورت، برایشان بدتر خواهد شد ؛ در هر صورت ، ما مسیر سوسیال دموکراتیک را تعقیب خواهیم کرد .

مرحله هفتم . تلاشی . کادت ها در مذاکره با صدسیاهان درهم می ریزند . فرصت طلبان خرده بورژوا در مذاکره با کادت ها درهم می ریزند . بلشویک ها پیگیرانه خط خود را دنبال می کنند. روزنامه ها گزارش می کنند : (۱) که آقای استولپین با ملاقاتی رسمی با آقای میلیو کف موافقت نموده است ، (۲) بر طبق گزارشات مطبوعات خارجی ، حکومت مایل است حزب کادت را قانونی نماید ، مشروط بر اینکه بلوکی با چپ ها تشکیل ندهد .

پرتوی بردسیسه های پشت پرده خائنین لیبرال افکنده می شود. کادت ها از رد پیشنهاد صدسیاهان بیم دارند، چرا که اینان تهدید به انحلال دوما کرده اند .

این است دلیل واقعی که چرا کادتها ، از ترس فرصت طلبان خرده بورژوا ، به ناگهان نسبت به مسأله توافق ، ناگهان این چنین «یکدنده» شده اند .

کادتها سرسخت و لجوجند ، بیش از دو کرسی برای چپها؟ هرگز ! رش کادت با مقالات پشت سرهم بصورت دقیق و ظریف توضیح می دهد که حاضر است سوسیالیست های میانه را (یعنی دو کرسی از شش کرسی را) رهبری کند تا با «توهمات انقلابی» بجنگد ، تا با انقلاب مبارزه کند . همگامی با انقلاب ؟ هرگز !

فرصت طلبها ناامیدند . لحن مقالات روزنامه تاواریش علیه رش بطرز مشهودی هیستریک تر می شود . آقای بوگو چارسکی ، سوسیال دموکرات مرتد ، به خود می پیچد ، رش را نصیحت می کند ، و همراه بادیگر نویسندگان تاواریش ، به او پیشنهاد می دهد که بسنجد که چه دارد می کند ، و غیره . شادمانی اخیر مشترک رش و تاواریش در مورد انزوای بلشویکها و اطاعت سوسیالیست های میانه از لیبرالها ، حالا دیگر ، به اتهام زنی های متقابل خشم آگین و جنگ آشکار می کشد . در ۱۷ ژانویه ، سنت پیترزبورگ از تصمیم کنفرانس سوسیال دموکراتیک سنت پیترزبورگ درس گرفت . امروز ۱۸ ژانویه است . اما تا به امروز کادتها و فرصت طلبان هیچ تصمیمی نگرفته اند . لحن مقالات رش امروز ، نسبت به تاواریش ، دیگر سازش ناپذیر است ، و لحن مقالات تاواریش امروز در مقابل رش بویژه تند و تیز خشماگین است .

بلشویکها پیگیرانه خط خویش را دنبال می کنند . سه لیست انتخاباتی در سنت پیترزبورگ وجود خواهد داشت . آنجا که خرده بورژوازی خود را خواهد یافت کسب و کار اوست : اما بهر حال پرولتاریای انقلابی وظیفه اش را انجام خواهد داد .

مرحله هشتم چه خواهد بود ، ما نمی دانیم . این مرحله ، در تحلیل نهایی ، بستگی به مذاکرات ، و به مناسبات بین کادتها و حکومت صدسیاه دارد . اگر آنها در مورد قانونی کردن فوری کادتها یا در هر مورد دیگری « به توافق برسند » خرده بورژوازی ایزوله خواهد شد . اگر ، فعلا ، کادتها و صدسیاهان بتوانند با هم به توافق برسند ممکن است کادتها حتی سه کرسی را به خرده بورژوازی واگذارند . سوسیال دموکراتها اجازه نخواهند داد که این امر سیاست آنها تعیین کند . سیر حوادث در مبارزات انتخاباتی سنت پترزبورگ تصویری مینیاتوری ، اما باشکوه ، از مناسبات بین صدسیاهان ، کادتها و پرولتاریای انقلابی بدست می دهد . و این سیر حوادث ، بطرزی قاطع ، تاکتیکهای قدیمی ، آزمون شده و سازش ناپذیر سوسیال دموکراتهای انقلابی را تأیید می کند .

سیاست مستقیم بهترین سیاست است . سیاست متکی بر اصول عملی ترین سیاست است . تنها یک چنین سیاستی می تواند سمپاشی و اعتماد پایای توده ها را به سوسیال دموکراسی بطور واقعی کسب نماید . تنها چنین سیاستی است که می تواند حزب کارگران را از مسئولیت مذاکره بین استولپین و میلیو کف و بین میلیو کف و آنفسکین ، ران ، یا چرنف ، آزاد سازد .

بدینگونه ، این مسئولیت باید برای همیشه با سوسیال دموکراتهای فرصت طلب و « احزاب ترودویک » همراه باشد .

شگفت آور نیست که منشویکهای متزلزل تلاش می کنند که با متوسل شدن به دورویی خود را نجات دهند . ماهوخواه مبارزه ای علیه خطر صدسیاه یا لیستهای انتخاباتی خالص سوسیال دموکراتیک یعنی سوسیال دموکراتهایی که کنفرانس را ترك کردند هستیم ! اگر

قرار بر این باشد که ما روزنامه‌های امروز را باور کنیم). این يك بهانه تراشی مشغول کننده است که تنها افراد ساده‌اندیش می‌توانند باور کنند! ثابت شده است که هیچ خطری به‌عنوان خطر صدسیاه در سنت پترزبورگ، اگر دولیست انتخاباتی وجود داشته باشد مطرح نیست اما اگر لیست‌ها سه‌تا شدند چه؟ آیا منشویک‌ها از آزمایش آن نگرانند؟ نه، آنها به هر چیزی می‌آویزند چرا که سیر حوادث آنان را به این ور و آنور می‌کوبد: یا آنها باید خود را به دامان کادت‌ها رها کنند و به تمامی به هژمونی سیاسی وایدئولوژیک آنان گردن نهند یا لیست انتخاباتی سوسیال‌دموکراتیک بلشویک‌ها را که ممکن است ترودویک‌ها نیز آنرا بپذیرند، تعقیب نمایند.

در سنت پترزبورگ چنین لیست انتخاباتی‌ئی احتمالاً هم کادت‌ها و هم صدسیاه‌ها را شکست خواهد داد. و سوسیال‌دموکرات‌های انقلابی، با انتخاب خط صحیح از همان آغاز، بدون ترس از امکان شکست‌های موقتی در صورت رها شدن خرده‌بورژوازی به دامان لیبرال‌ها، پیگیرانه آن را دنبال خواهند کرد. و از نوسانات و بلا تصمیمی فرصت‌طلبان، قدرت و استقامت نوینی کسب خواهند کرد. در سنت پترزبورگ سه لیست انتخاباتی وجود خواهد داشت: صدسیاه، کادت، و سوسیال‌دموکراتیک!

هم شهریان، انتخاب کنید!

پروستیه ریشی، شماره ۲، ۲۱ ژانویه ۱۹۰۶

نزول پله به پله

انتخابات سنت پیترزبورگ گنائی از مواد آموزشی برای مطالعه حقیقی خصلت احزاب گوناگون و گرایشات طبقاتی، یا اهمیت طبقاتی سیاست‌های آنها بدست میدهد .

در این رابطه به دوفاکت باید بیشترین توجه را نشان داد . مذاکرات بین کادتها و استولپین، رهبر حکومت صدسیاه، و مذاکرات بین احزاب خرده‌بورژواوزمین‌داران لیبرال، کادتها . اطلاع اندک ما در مورد مذاکرات بین کادتها و صدسیاهان به قرار زیر است : پذیرش مسالقات بامیلیوکف از سوی استولپین، تلاش‌هایی برای قانونی کردن حزب کادت، که کادتها بایستی بهای آن را به صورت امتناع از ورود به بلوک‌هایی با چپ‌ها پردازند . این مذاکرات بصورت خیلی محرمانه انجام می‌گیرد، و افشای آنها موضوع آینده است .

مذاکرات دیگر تا حدودی علنی هستند. به ویژه، نقش سوسیال-دموکرات‌های فرصت‌طلب در این میان آشکار است. چرا آنها از تشکیلات سوسیال دموکراتیک سنت پترزبورگ جدا شدند.

از قرار، به خاطر معامله با کادتها. اما کادتها به توافقی بامنشویک‌ها به تنهایی مایل نیستند. و بنابراین منشویک‌ها در حال ورود به بلوک با تمام احزاب خرده-بورژوا، یعنی، سوسیال رولوسیونرها، ترودویک‌ها، و سوسیالیست‌های توده‌ای هستند.

فرصت‌طلبانی که از سوسیال دموکراسی بریده‌اند به سوی خرده-بورژوازی می‌لغزند!

شرایط این بلوک چیست؟

این شرایط عبارتند از: ورود به توافقی مشترک با کادتها، در جهت تضمین سه کرسی از شش کرسی دوما برای بلوک چپ. ما می‌دانیم که توافق بین منشویک‌ها و احزاب خرده بورژوا به نوشته درآمده است - در هر حال، قطعنامه مشترکی پذیرفته شده است. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که متفقین جدید مایل نیستند مردم را در این مورد مطلع سازند، یا عجله‌ای در این کار ندارند.

ما هم چنین می‌دانیم که رفیق دان در مذاکرات مربوط به تشکیل این بلوک شرکت کرده، هر چند که او اجازه چنین کاری را خواه از سوی گروه گستگان از سوسیال دموکرات‌های سنت پترزبورگ یا از سوی هر تشکیلات حزبی دیگر دریافت نکرده بود.

ما حتی نمی‌توانستیم تأییدیه‌ای بهتر از آنچه میرحوادث سیاسی از ارزیابی پایدار ما به دست داد، در ذهن داشته باشیم؛ ارزیابی ما این بود

که منشویک‌ها بخش اپورتونیست هستند و بخش خرده‌بورژوازی حزب کارگران‌اند، و اینکه آنان همان قدر بی‌اصول و متزلزل هستند که خرده‌بورژوازی به‌طور کلی چنین است.

کافیست فکر کنید که منشویک‌ها چه دارند می‌کنند. آیا آن‌ها نبودند که از پشت‌بام‌ها کوس می‌زدند که مدافع خلوص طبقاتی سوسیال-دموکراسی بر علیه بلشویک‌ها که به‌ادعای آنان، به‌سوی سوسیال-رولوسیونرهای خرده‌بورژوا لغزانند، هستند؟

واینک، حوادث ماسک از چهره‌آنان برمی‌دارد. بلشویک‌ها علناً از خرده‌بورژوازی می‌خواهند که در مقابل بورژوازی لیبرال، دنیای پرولتاریا را بگیرد.

منشویک‌ها امتناع می‌کنند، و در خفا (چون کسی از شرایط این بلوک چیزی نمی‌داند و هیچ کس به رفیق‌دان اجازه‌ای نداده است) وارد بلوک با تمام گروه‌های خرده‌بورژوا، از جمله جناح راست افراطی (سوسیالیست‌های توده‌ای) می‌شوند، تا متفقاً کارگرانی را که تحت نفوذشان هستند به رهبری بورژوازی لیبرال تسلیم کنند.

تمامی احزاب خرده‌بورژوا از جمله منشویک‌ها (بی‌دلیل نیست که رش‌قبلاً آنان را به‌مثابه بخشی از «بلوک اپوزیسیون» که انقلاب را ترک کرده‌اند ثبت کرده، و سوسیالیست‌های توده‌ای و منشویک‌ها را در میان «احزاب سوسیالیست میانه‌رو» طبقه‌بندی کرده‌است)، چانه‌زدن با لیبرال‌ها را به‌نبرد در صفوف پرولتاریا ترجیح می‌دهند. بگذار تمام کارگرانی که در سنت پیتربورگ آگاهی طبقاتی دارند با دقت تمام، بررسی نمایند که آیا منشویک‌ها حزب کارگران را رهبری می‌کنند یا نه!

ممکن است پرسیده شود که نتیجه مذاکرات بین خرده‌بورژوازی

تا اینجا، همه ما از روی روزنامه‌های امروز (۱۹ ژانویه) چنین می‌دانیم که دیروز ملاقاتی در سنت پیترزبورگ بین نمایندگان سوسیال-رولوسیونرها، گروه ترودویک‌ها، سوسیالیست‌های توده‌ای و منشویک‌ها (یعنی کل بلوک جدید خرده‌بورژوا) و کادتها صورت گرفته. بنابراین گزارش، کادتها مشخصاً از واگذاری سه کرسی به «بلوک چپ» امتناع کرده‌اند، ولی بلوک «چپ» از پذیرفتن دو کرسی اجتناب ورزیده است. رش در این رابطه می‌گوید: «نمایندگان سوسیال دموکرات‌های بلشویک در کنفرانس شرکت نداشتند.» این حقیقت دارد. ما به خرده-بورژوازی نمی‌پیوندیم تا حزب کارگران را به لیبرال‌ها تسلیم نمائیم. چه خواهد شد؟ هیچکس نمی‌داند. احتمالاً، بلوک خرده‌بورژوا و کادتها به چانه زدن‌هایشان ادامه خواهند داد.

در عین حال، گزارش می‌شود که در درون حزب سوسیال-رولوسیونر یک کمیته کارگری وجود دارد که مؤکداً بلوک با کادتها را محکوم می‌کند. حقیقت چیست؟ ما نمی‌دانیم، چون سوسیال رولوسیونر با مهارت تمام هم شرایط مورد توافق با سوسیالیست‌های توده‌ای را مخفی می‌کنند (هیچکس بد رستی نمی‌داند که کی و توسط چه کسی این توافق انجام گرفته است) و هم گرایشات درون حزب خودشان را در مورد مسأله بلوک با کادتها.

امروز (۱۹ ژانویه)، رش قطعنامه پذیرفته شده توسط کمیته سنت-پیترزبورگ حزب سوسیال رولوسیونر را چاپ کرده است که این شایعه را تأیید می‌کند که بخش کارگری حزب سوسیال رولوسیونرها و ادار بلوک با کادتها نیست. گزارش رش بقرار زیر است:

«کمیته سنت پیترزبورگ حزب سوسیال رولوسیونر، با ورود

به توافقی [کدام؟ کی؟ با چه شرایطی؟]* با ترودویک‌ها و گروه‌های
 سوسیالیست توده‌ای، تصمیم گرفته است پیشنهادی به هر دو بخش حزب
 سوسیال دموکرات - بلشویک‌ها و منشویک‌ها - بدهد که گروه‌های
 سوسیالیست [؟] بمنظور هدایت مبارزات پیش از [؟] انتخابات به معقول -
 ترین و هدف‌دارترین روش، با هم به توافق برسند؛ و اگر توافقی با هر دو
 بخش حاصل نیاید، وارد توافقی با بلشویک‌ها شود. نمایندگان سوسیال -
 رولوسیونرها، در انعقاد این توافقنامه مشترک سوسیالیستی، باید
 بر ممنوعیت توافق با کادتها و بر اقدام مستقل اتحاد سوسیالیستی
 پافشاری نمایند [؟!؟].

اما، با این حال، اگر اکثریت گروه‌ها [؟] به این نتیجه برسند که
 یک توافق تکنیکی [!؟] با کادتها مطلوب‌تر از اقدام مستقل است، کمیته
 سنت پیترزبورگ حزب سوسیال رولوسیونر به تصمیم اکثریت [اکثریت
 دیگر احزاب] گردن خواهد نهاد، اما یک شرط مطلق توافق را این قرار
 خواهد داد که تمام کرسی‌هایی که به گروه‌های سوسیالیستی تعلق
 خواهد گرفت، انحصاراً، به قلمرو (Curia) کارگری، واگذار
 گردد.»

۱/۰۰۰/۰۰۰ روبل جایزه برای کسی که بتواند از این خزعبلات
 وچرند و پرندها چیزی سردر آورد! پافشاری بر ممنوعیت توافق با
 کادتها، آنهم پس از اینکه موقتاً بلوکی با سوسیالیست‌های توده‌ای
 تشکیل داده‌اند، یعنی کسانی که با تمام وجود هواخواه کادتها هستند!
 تقاضا از کادتها که سه کرسی انحصاراً به قلمرو (Curia) کارگری
 داده شود، و در عین حال، شرکت کردن در «کنفرانسی» با کادتها،

* مطالب داخل کروشه از لنین است.

همراه سوسیالیست‌های توده‌ای و ترودویک‌ها، که هیچکدام چنین تقاضایی نمی‌کنند! آفرین بر استقلال‌حزبی که جدا از «گروه‌ها» است ولی در عین حال به اکثریت، یعنی سه گروه (ترودویک‌ها، سوسیالیست‌های توده‌ای و منشویک‌ها) گردن می‌نهد! آه، ادیپوس خردمند! مگر تو این معمارا حل کنی.

و کارگران نماینده حزب سوسیال رولوسیونر (درحومه مسکو سنت پترزبورگ) این تظاهر خرده‌بورژوازی را، که خیانت به منافع آنان را در مقابل لیبرال‌ها لاپوشانی می‌کند، تصویب می‌نند! اما این کارگران اضافه می‌کنند: «ما تنفر عمیق خود را از جناح منشویک حزب سوسیال دموکرات، به خاطر رفتار اشکال‌تر اشانه آن در مورد دیگر گروه‌ها و احزاب سوسیالیست، اعلام می‌کنیم.»

آه، ای پرولترهای ساده‌اندیش سوسیال رولوسیونر! اگر شما از منشویک‌ها متنفرید، پس چرا از کمیته سنت پترزبورگ حزب سوسیال رولوسیونرها منزجر نیستید؟ آنها، هر دو، شمارا به زیر چتر لیبرال‌ها می‌کشانند.

دلیل اصلی نفاق درون بلوک خرده‌بورژوا کاملاً آشکار است. خطر گسستگی از کادتها وجود دارد. شاید، سوسیالیست‌های توده‌ای و منشویک‌ها بی‌میل نباشند که دو کرسی از کادتها قبول کنند و به بقیه خرده‌بورژوازی خیانت کنند، کاری که منشویک‌ها با پرولتاریا کردند.

این است آنچه که پشت سر تمام این قضایاست!

نزول، پله‌به‌پله. خیانت به حزب کارگران و به بلوک خرده‌بورژوا ملحق شدن. به بلوک دموکراتیک خرده‌بورژوا خیانت کردن و به کادتها

پیوستن! بروید! عاقبت به خیر باشید!

میلیو کف، دربار عامی که استولپین به وی داده بود، چنین گفت:
«خاطر مبارك مستحضر است که حقیر در انقلاب نفاق افکندم و میانه‌ها را
از آن بریدم. پاداش هم نگرفته‌ام، التفات می‌فرمائید؟».... استولپین:
«خوب است، آری، من برایتان قانونی شدن حزبتان را خواهم خواست.
برایتان خواهم گفت، پاول نیکلایه‌ویچ، شما این دسته او باش طبقه
کارگرا از هم پاشانید، و من با شما می‌بر سرشان خواهم کوفت. و
بدین ترتیب..... بین ما دو تا..... بگذار دست هم را بفشاریم،
پاول نیکلایه‌ویچ!»

نوشته شده در ۱۹ ژانویه (اول فوریه ۱۹۰۷)

منتشره در پروتاری، شماره ۱۲، ۲۵ ژانویه ۱۹۰۷

اعتراض سی و یک منشویک

اخیراً جزوهای به‌دستمان رسیده، تحت عنوان: چرا مجبور به ترك كنفرانس شدیم؟ (اظهاریه‌ای از سوی ۳۹ نفر از اعضای كنفرانس که به کمیته مرکزی تسلیم شده است).

در این جزوه، منشویک‌ها حتی يك کلمه هم از اصول حرف نمی‌زنند! برگشتن آنان از حزب کارگران به بلوگ خرده‌بورژوا (منشویک‌ها، سوسیال رولوسیونرها، ترودویک‌ها و سوسیالیست‌های توده‌ای)، و از آنجا به کادتها، آشکارا، مورد علاقه پرولتاریا نیست. این معترضین میل ندارند بر سر اصل مطلب بحث شود، بلکه دوست دارند بر سر تشریفات جروبحث شود.

بگذارید استدلالات صوری آنان را ارزیابی کنیم. سه موضوع وجود دارد: (۱) تاریخچه کمیته سنت پترزبورگ و سازمان غیر-دموکراتیک آن، (۲) بی‌قاعدگی در امر تأیید اعتبارنامه‌ها در كنفرانس،

(۳) امتناع از تقسیم کنفرانس به دو بخش، یکی برای شهر و دیگری برای حومه (گوبرنیا).

درو حلهٔ اول ما مایلیم پرسیم: این مساله چه ربطی به کمیته سنت پترزبورگ دارد؟ انتخابات ویژه‌ای برای کنفرانس انجام گرفت، می‌گویند نه؟

اساساً، منشویک‌ها دروغ‌های شریرانه‌ای در مورد تاریخ کمیتهٔ سنت پترزبورگ و سازمان غیردموکراتیک ادعا شده‌آن می‌گویند. مثلاً تعجب آور نیست که، منطقه لیتوانی (که دخول آن مورد اعتراض منشویک‌هاست)، پیش از کنگره وحدت به کنفرانس راه یافت یعنی وقتی که تعداد بلشویک‌ها و منشویک‌ها در کمیتهٔ سنت پترزبورگ برابر بود. بنابراین بیش از شش ماه پیش، خود منشویک‌ها، داوطلبانه، توافق کردند که صحیح‌تر آنست که لیتوانی‌ها هم وارد شوند. موردی دیگر: منشویک‌ها شکایت دارند که کمیته سنت پترزبورگ انتخاب (Go Optation) تعداد معینی از اعضا را اجازه داده است. اما آنها فراموش می‌کنند که این خود منشویک‌ها بودند که انتخاب این اعضا را انجام داده بودند. این موارد امکان آن را به فرد می‌دهد که درستی این انتقادهای دیر هنگام را در مورد چگونگی تشکیل کمیتهٔ سنت پترزبورگ به قضاوت کشد.

استدلال دوم آنان این است که کنفرانس، با اجازهٔ شما، مرتکب بی‌قاعدگی در تأیید اعتبارنامه‌ها شده است. منشویک‌ها از به رسمیت شناختن آراء شاگرد مغازه‌ها امتناع می‌ورزند، و ادعا می‌کنند که تنها توزیع زیرین آراء تنها توزیع صحیح است: بلشویک‌ها ۱۵۶۰ رأی، به اضافهٔ ۱۸۰ رأی بنفع پلاتفرم بلوک انقلابی - در مجموع ۱۷۴۰ رأی و منشویک‌ها - ۱۵۸۹ رأی. یاد مورد اعتبارنامه‌ها، با احتساب

باقی مانده‌ها : بلشویک‌ها ۳۵۰۰؛ منشویک‌ها ۳۲۰۰ (به صفحه ۸ جزوه منشویک‌ها رجوع کنید) .

تنها يك چیز می ماند که تاکید کنیم ، که حتی به دنده جدیدترین منتقدین از ما، بلشویک‌ها در کنفرانس برتری داشتند و باید هم گفته باشند. رفقا ، همه می دانند که ، «ناراضیان» (پلاتفرم بلوک انقلابی) بلشویک نیز بودند . و چون خود شما نیز می پذیرید که ، حتی اگر تائید اعتبارنامه‌ها در اختیار و وابسته به منشویک‌ها هم بود، بلشویک‌ها در مقابل ۳۲ ، ۳۵ تاملی داشتند ، پس اینهمه‌های وهوی برای چه ؟ خود شما مجبورید بپذیرید که تشکیلات سوسیال دموکرات سنت پیترزبورگ يك هیئت بلشویک است .

ببینیم منشویک‌ها چگونه روش بررسی اعتبارنامه‌ها در کنفرانس را مورد انتقاد قرار می دهند .

آنها اصلا دوست ندارند آراء شاگرد مغازه‌ها را مورد توجه قرار دهند . چرا ؟ جزوه چنین می گوید : به این بهانه که برگزاری میتینگ‌ها غیر ممکن بود، هیئت رهبری شاگرد مغازه‌ها پس از کوششی برای انجام همه‌پرسی از اعضا، که به ریخته شدن تنها ۱۰۰ رای منجر شد ، کمیته سنت پیترزبورگ دستور انتخاب پنج نماینده را ، کسی نمی داند چرا ، یعنی برای هر ۹۰ نفر يك نماینده ، می دهد حال آنکه ۳۱۳ شاگرد مغازه سازمان یافته اند » ... (صفحه ۴) .

دشواری سازمان دادن میتینگ شاگرد مغازه‌ها از بدیهیات است . بر چه اساسی این را حمل به « عذر و بهانه » تراشی می کنند . بر چه اساسی ۳۱۳ شاگرد مغازه سازمان یافته (یعنی ، اعضای حزب) بر کنار ماندند؟ آیا خود شما نمی پذیرید که کوششی برای انجام همه‌پرسی به عمل آمد ، یعنی اینکه ، هیئت رهبری قدم‌هایی برای امکان دادن به

تمام اعضای حزب برای بیان نظرات خویش برداشت؟

و ، کمیته سنت پیترزبورگ ، با کاستن نرخ نمایندگی از يك نماينده برای پنجاه عضو به يك نماينده برای شصت عضو ، پذیرفت که امر نمایندگی کاملاً دموکراتیک نبود .

منطقه مسکو : در میان آراء مورد اختلاف ، منشویکها ۱۸۵ رای را برای بلشویکها به رسمیت می شناسند . اما تحت عنوان «دلایل منازعه» ، نویسندگان جزوه ، خودشان ، چنین می نویسند : در این مورد ، که نمونه آزمایشی منازعه و اختلاف است ، بلشویکها از تأیید انتخابات مشابه در حومه ای دیگر ، امتناع می کنند . «

جالب نیست؟ منشویک ، در این مورد ، اعتبار نامه های بلشویکها را ، بطور امتحانی ، مورد منازعه قرار می دهند ... ! آنان ، خودشان ، در جمع بندی خود اعلام می کنند که آرائی که واقعاً باید مردود شمرده میشدند «۱۱۵ رای است نه ۳۰۰ رای ؛ یعنی ، آنان خود می پذیرند که ۱۸۵ رای باید تأیید می شد !

بر این سیاق ، روش های منشویکها شامل مورد منازعه قرار دادن «آزمایشی» آرائی است که واقعاً باید تأیید شوند !
و چنین کسانی به خود جرأت می دهند که درباره نماینده گزینی بی رویه و بی قاعده کنفرانس داد سخن دهند ...

خود منشویکها تعداد آراء بی چون و چرا را بدین صورت می شمارند : ۱۳۷۶ رای برای بلشویکها و ۷۵۹ رای برای منشویکها . یعنی چه رفقای عزیز من ؟ یعنی اینکه حتی با پذیرش روش های ناشنیده و اصیل «منازعه آزمایشی» خودتان هم ، قادر نیستید با حجم عظیم آراء بلشویکها به تنازع برخیزید .

از ۷۸۹ رای منشویکها که مورد تنازع بلشویکهاست (بر طبق

گفته جزوه) ۲۳۴ رای حومه و بیورگ از اهمیت شایانی برخوردار است. تحت عنوان «دلایل منازعه» می خوانیم: «علیرغم تمام بحث‌هایی که شده بود، انتخابات بر اساس پلاتفرم‌ها انجام نگرفت.» این حقیقت که بحث‌هایی شده بود، حداقل، این را ثابت نمی کند که خودرأی دهندگان به نفع بلوک با کادتها صحبت کرده باشند بنحوی که کنفرانس محق بود که از اختصاص دادن آرائی که مستقیماً و بی ابهام بنفع بلوک با کادتها نبودند به هواداران بلوک با کادتها امتناع ورزد کنفرانس نمایندگی برای این ۲۳۴ رای کاهش داد.

گذشته از آن، بلشویک‌ها ۳۷۰ رای قصبه (Subdistrict) فرانسه روسی را مورد منازعه قرار داد. تحت عنوان دلایل منازعه می خوانیم: «بدون پلاتفرم‌ها ۱۰۰ ، و بقیه (۲۷۰) - از طریق انتخابات دو مرحله‌ای همراه با بحث»

مشاهده می کنید که آراء شاگردمغازه‌ها، علیرغم «تلاشهایی که برای انجام همه‌پرسی» شده بود، باید مردود شناخته می شد. تمام آراء منشویک‌ها باید تأیید می شد، حتی اگر طی انتخابات دو مرحله‌ای کسب شده باشند، که در حقیقت، حداقل، تفاوتی باروشی نداشت که طبق آن شاگرد مغازه‌ها نمایندگان خود را انتخاب کردند! نه، رفقای منشویک، دفاع شما از اعتبارنامه‌های منشویک‌ها خیلی ضعیف است! در مورد تقسیم کردن کنفرانس، منشویک‌ها، خیلی خلاصه به آن اشاره می کنند: «هر چند که این پیشنهاد کاملاً معقول بود»، کنفرانس آن را رد کرد (صفحه ۵). اما در همان صفحه بعد، رمز این «معقولیت» کاملاً بر ملامی شود: «در حوزه شهر، منشویک‌ها اکثریت قاطع داشتند» (!؟) (البته اگر آراء به سبک منشویک‌ها خوانده می شدند، یعنی، اگر تمام آراء شاگردمغازه‌ها حذف می شد و تمام آراء ویورگ و قصبه فرانسه -

اروسی شامل می‌شد.)

بازی چنین است! تقسیم معقول بود، چرا که به منشویک‌ها اکثریتی جعلی و موهوم می‌داد. خیلی ساده است، نه؟ چرا، پس، رفقا، چرا فراموش می‌کنید یادآور شوید که شما برای منطقه مثلاً راه‌آهن چه تقسیم «معقولی» پیشنهاد می‌کنید، و چرا کمیته مرکزی پیشنهاد دایر بر تقسیم شدن کنفرانس در ویلنو، اودسا و غیره را معقول نمی‌داند؟

اعتراضات منشویک‌ها در مورد تشریفات تو خالی و ابهام‌گویی مبتذل است. آنچه که مهم است تسلیم شدن آنان به کادتهاست. اما، ۳۱ معترض در این مورد ساکت‌اند.

پرولتاری، شماره ۱۴

۲۵ ژانویه ۱۹۰۷

چگونه در انتخابات سنت پیترزبورگ رأی دهید

آیا خطر برنده شدن صدسیاهان در انتخابات
سنت پیترزبورگ وجود دارد؟

بزودی انتخابات دومای دولتی شهر سنت پیترزبورگ انجام
می گیرد. رأی دهندگان شهری که تعداد آنان به ۱۳۰۰۰۰۰ میرسد
۱۶۰ نفر انتخاب کننده برای تمامی شهر انتخاب خواهند کرد. این
۱۶۰ نفر همراه با ۱۴ انتخاب کننده کارگران، شش نماینده را برای
مجلس دوما انتخاب خواهند کرد.

چه کسی برای مجلس دوما باید انتخاب شود؟

سه حزب عمده در انتخابات سنت پیترزبورگ مبارزه می کنند:
صدسیاهان (دست راستی)، کادتها (حزب به اصطلاح آزادی)،
وسوسیال دموکراتها، از احزاب و گرایش های کوچک (ترودویکها،
مردم غیر حزبی، سوسیالیست های توده ای، رادیکالها و غیره) بخشی

ممکن است به لیست انتخاباتی کادتها پیوندند ، و قسمتی به لیست
سوسیال دموکراتها ، در این مورد هنوز تصمیم قطعی اتخاذ نشده
است .

بطور کلی ، شکمی نیست که سه لیست انتخاباتی درست-
پرزبورگ وجود نخواهد داشت لیست صدسیاهها ، کادتها ، و
سوسیال دموکراتها .

بنابراین تمام رأی دهندگان بروشنی تشخیص می دهند که چه
کسی را دارند به مجلس دوما می فرستند : به صدسیاهها یعنی احزاب
دست راستی ، کسانی که هوادار دولتی متکی بر دادگاههای نظامی ،
کشتار همگانی و خشونت هستند ؟

یابه کادتها ، یعنی ، بورژوازی لیبرال ، کسانی که برای قانونی
شدن به دوما می روند ، وفی المثل با گورکوزها مصالحه کنند . کسانی
که عملاً هم حق قانون گذاری دوما وهم حق انحلال دوما را ، در
صورتی که باب میل شان نباشد ، دارند؟ او ، یا به سوسیال دموکراتها ،
یعنی ، حزب طبقه کارگر ، که در راس تمام خلق ، برای آزادی کامل
وسوسیالیسم ، و برای رهائی تمام خلق زحمتکش از استثمار و ستم
می جنگند؟ بگذار هر رای دهنده بداند که او باید از بین این سه حزب
انتخاب کند . او باید تصمیم بگیرد که به چه کسی رای دهد : به قهرمانان
ستم و خشونت پلیسی ؛ یا سرمایه داران لیبرال ، کسانی که از طریق
کوئترها یا گورکوزها معامله می کنند ؛ و یا قهرمانان طبقه کارگر و
تمام خلق زحمت کش ؟

شهروندان و رای دهندگان ! به شما می گویند که کادتها و
سوسیال دموکراتها ممکن است بیک توافق انتخاباتی برسند و بیک
لیست انتخاباتی مشترک ارائه دهند .

این حقیقت ندارد. بگذار همه بدانند که هر اتفاقی بیفتد سه لیست در سنت-
پیترزبورگ وجود دارد: لیست صد سیاه، کادت و سوسیال دموکرات.
بشما می گویند که اگر کادت ها و سوسیال دموکرات ها لیست-
های انتخاباتی جدا بدهند، بدین وسیله رای ما را تقسیم می کنند و
در نتیجه کمک می کنند که صد سیاه ها پیروز شوند.

این حقیقت ندارد. ما به شما ثابت خواهیم کرد که حتی در
بدترین حالت ممکن تقسیم رای، یعنی اگر رای ها بطور مساوی بین
کادت ها و سوسیال دموکرات ها در کلیه حوزه های انتخاباتی در سنت-
پیترزبورگ تقسیم شوند - حتی در آن صورت هم پیروزی صد سیاه در
سنت پیترزبورگ غیر ممکن است.

همه می دانند که طی انتخابات اولین دو ما دولیست اصلی از
کاندیداها در سنت پیترزبورگ وجود داشت: کادت و صد سیاه (یا
به اصطلاح بلوک، یا ائتلاف احزاب دست راستی). کادت ها در تمام ناحیه-
های سنت پیترزبورگ پیروز بودند.

اکنون سه لیست وجود خواهد داشت: صد سیاه، کادت و سوسیال
دموکرات. این بدین معنی است که سوسیال دموکرات ها انتظار دارند
که قسمتی از رای های کادت ها را بخود اختصاص دهند، هم چنین از حمایت
کلیه کسانی که در انتخابات اولین دو ما شرکت نکردند برخوردار گردند.
بشما گفته می شود که این تقسیم رای کادت و سوسیال دموکرات
امکان دارد کمک کند که صد سیاه ها پیروز شوند، زیرا که کادت ها و
سوسیال دموکرات ها با هم قوی تر از صد سیاه ها هستند، در حالیکه بطور
جدا امکان دارد ضعیف تر باشند یعنی، شکست بخورند.

برای آنکه ببینم آیا چنین چیزی امکان دارد یا نه، اجازه دهید
که تمام ارقام آراء شمرده شده در تمام حوزه های انتخاباتی اولین دو ما

در سنت پیترزبورگ رادر نظر بگیریم. بگذارید ببینیم چگونه آراء بین کادتها و صدسیاهها در حوزه های مختلف بخش شده بودند. بدترین حالت رادر هر حوزه مدنظر قرار خواهیم داد، یعنی، پائین ترین رای شمرده شده برای يك كادت (زیرا کاندیدهای مختلف تعداد آراء مختلفی بدست آوردند) و بالاترین رای اعلام شده برای يك کاندیدای صدسیاه. ما پائین ترین رای کادت رانصف خواهیم کرد. براین فرض که دقیقاً يك سو سیالدمو کرات نصف آراء را کسب خواهند کرد (این حداقل موفقیت برای ما و حدا کثرشانس صدسیاهان خواهد بود) حالا بگذارید این نصف پائین ترین رای کادت را با بالاترین رای اعلان شده برای کاندیدای صدسیاه در هر حوزه را با هم مقایسه کنیم. «ارقام زیرین را بدست خواهیم آورد»:

رای گیری سنت پیترزبورگ در انتخابات اولین دوما

تعداد انتخاب کنندگان	بالاترین رای دست راستی ها	نصف آن تعداد	پائین ترین رای کادت	حوزه ها
۵	۶۶۸	۶۹۷	۱۳۹۵	ادمیرالتی
۱۶	۱۲۱۴	۱۴۶۴	۲۹۲۹	الکساندر نو سکی
۹	۹۸۵	۱۰۶۷	۲۱۳۵	کازان
۱۸	۱۴۸۶	۱۷۴۳	۳۴۸۶	ناروا
۶	۶۵۲	۹۲۶	۱۸۵۳	ویبورگ
۱۶	۱۷۲۹	۲۳۹۴	۴۷۸۸	پیترزبورگ
۹	۹۶۹	۱۰۷۰	۲۱۴۱	کولومنا
۲۰	۲۱۷۴	۲۴۶۸	۴۹۳۷	مسکو
۱۵	۲۳۲۰	۲۴۳۶	۴۸۷۳	اسپاسکی
۱۵	۲۰۹۷	۱۷۰۷	۳۴۱۴	لاتینی
۱۴	۲۰۶۶	۱۶۲۰	۳۲۴۱	روژ دستونسکی
۱۷	۲۲۵۰	۱۷۷۰	۳۵۴۰	وامیلی یوسکی اوستروف.

این ارقام به روشنی نشان می دهد که حتی در نامطلوب ترین مورد تقسیم رای کادت، یک صد سیاه فقط امکان موفقیت در سه حوزه از دوازده حوزه انتخاباتی در انتخابات ۱۹۰۶ را داشت. آنان فقط می توانستند ۴۶ از ۱۷۴ انتخاب کننده (۱۶۰ از شهر و ۱۴ از کارگران) داشته باشند. این بدان معنی است که صد سیاه ها نمی توانستند در انتخابات اولین دوما بر گزیده شوند حتی اگر رای کادت بطور مساوی بین کاندیداهای کادت و سوسیال دموکرات در کلیه حوزه ها تقسیم می شد.

بدین سیاق، آنان که سعی می کنند که رأی دهندگان را از این بترسانند که اگر کادت ها و سوسیال دموکرات ها رأی ها را تقسیم کنند امکان پیروزی صد سیاه را بوجود می آورند، مردم را دارند می فریبند.

صد سیاه ها نمی توانند در نتیجه تقسیم آرا بین کادت ها و سوسیال دموکرات ها به پیروزی برسند.

کادت ها عمداً شایعه دروغین «خطر صد سیاه» را می پراکنند تا رأی دهندگان به سوسیالیست ها را بترسانند.

شهروندان و رای دهندگان! بوق و کرناهای مربوط به پیروزی صد سیاه ها در نتیجه تقسیم آرا بین کادت ها و سوسیال دموکرات ها را باور نکنید. آزادانه و شجاعانه از روی اعتقادات خود، رای خود را به صندوق بریزید؛ برای صد سیاه ها، برای بورژوا لیبرال ها، یا برای سوسیالیست ها.

* *

*

ولی شاید کادت ها، کسانی که شایعات دروغین در مورد «خطر صد سیاه» را از طریق روزنامه های مثل، رش، تاواریش، سو دنیا، رودنا یا زملیا، روس، استرانا، و بسیاری دیگر شایع میکنند، سعی در

پیش برد بحث‌های دیگری و یاسعی در طفره روی‌های دیگری دارند .
بگذارید تمام استدلالات ممکنه را مورد بحث قرار دهیم .

شاید رأی کادت به سه و نه دولیست تقسیم شود؟ در این صورت
صد سیاه‌ها در کلیه حوزہ‌ها پیروز نخواهند شد و برای دوما انتخاب
نخواهند شد؟

نه. رأی کادت نمی‌تواند بین سه لیست تقسیم شود، زیرا که تنها
سه لیست در سنت پیترزبورگ وجود خواهد داشت. بغیر از صد
سیاهان ، کادت‌ها و سوسیال‌دموکرات‌ها، هیچ حزب مهمی که لیست
مستقلی ارائه کند، وجود ندارد.

تمام احزاب روسیه نمایندگان خود را در سنت پیترزبورگ دارند.
کلیه احزاب و گرایش‌ها موضع خود را در انتخابات پیش از این اعلان
کرده‌اند. هیچ حزبی، مگر سه حزب عمده ذکر شده در بالا، و نه حتی
هیچ گروه کوچک، به ستیز انتخاباتی مستقل، حتی فکر هم نمی‌کند. کلیه
احزاب کوچک، کلیه جریان‌ها، مگر سه حزب عمده، فقط بین این سه لیست
در نوسان‌اند. کلیه احزاب و گروه‌های مترقی که گرایشی به آزادی دارند
فقط بین کادت‌ها و سوسیال‌دموکرات‌ها در نوسان می‌باشند.

نه هیچ‌یک از احزاب ترودویک، و نه حتی سوسیال-
رولوسونرها، کمیته گروه ترودویک، و نه سوسیالیست‌های توده‌ای،
تمایلی به دادن لیست مستقلی نشان داده‌اند. برعکس، تمام این احزاب
ترودویک در حال مذاکره هستند که به لیست کادت‌ها و یا سوسیال-
دموکرات‌ها بپیوندند.

از این رو، آنانی که می‌گویند رأی کادت ممکن است بین سه
لیست تقسیم شود، مردم را می‌فریبند. در سنت پیترزبورگ فقط سه
لیست وجود خواهد داشت: صد سیاه، کادت، و سوسیال‌دموکرات .

* *

*

دومین استدلال ممکنه : گفته می شود که در نتیجه تفسیرات سنا تعداد رأی دهندگان، به خصوص آنانی که از طبقات پائین هستند، پائین آمده است، و در نتیجه کادتها به تعدادی که در انتخابات اولین دوما رأی آورده اند رأی نمی آورند .

این حقیقت ندارد . در اولین انتخابات دوما ، جمع کل رأی - دهندگان در سنت پیترزبورگ در حدود ۱۵۰/۰۰۰ نفر بود، و اکنون در حدود ۱۳۰/۰۰۰ می باشد .

تعداد کسانی که سال گذشته رأی دادند بیشتر از ۶۰/۰۰۰ تا ۷۰/۰۰۰ نبود. بنا بر این، دلیلی وجود ندارد که از تغییر خلق و خوی و نگرش عده ای از رأی دهندگان ترسید. کوچکترین تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد که اکثریت این ۱۲۰/۰۰۰ رأی دهنده در سنت پیترزبورگ متعلق به اقشار نیازمند جمعیت می باشند، جمعیتی که يك سرمایه دار را به يك کارگر ترجیح می دهد، فقط بدین دلیل که کج فهم، نا آگاه و بسامت عصب باشد، اگر تمام سوسیالیست ها وظیفه خود را انجام دهند و برای آگاهی مردم تحريك نشان دهند، آنان بدون شك قادر خواهند بود بر تحصیل رأی نه تنها ده هزار بلکه چندین ده هزار رأی دهنده از ۱۳۰/۰۰۰ نفر، حساب کنند .

* *

*

سومین استدلال ممکنه : گفته می شود که صد سیاهان ممکن است امسال رأی بیشتری بدست آورند، و نمی باید از روی ارقام سال گذشته قضاوت کنیم .

این حقیقت ندارد. از روی کلیه گزارشات روزنامه‌ها، کلیه تظاهرات و اخبار قابل دسترس در مورد وضعیت احزاب مختلف، درمی‌یابیم که صد سیاهان در سنت پترزبورگ قوی‌ترین هستند، ولی احتمالاً ضعیف‌تر از آنچه که پارسال بودند، می‌باشند. مردم از نظر سیاسی آگاه‌تر شده‌اند؛ اکتبر است‌ها در هر تظاهراتی فغان سر می‌دهند؛ و انحلال دوما، سیاست سرکوب و سیاست گورکولیدوال دولت، کاملاً، رأی‌دهندگان را نسبت به حکومت بیگانه می‌کند. در اولین انتخابات، صد سیاه‌ها هنوز قادر بودند که هیاهو بیافرینند؛ ولی آنان، تماماً، به محض آنکه زمان انتخابات نزدیک می‌شد، فرونشستند.

* *

*

چهارمین استدلال ممکنه: گفته می‌شود که دولت از صدور فرم‌های انتخاباتی برای احزاب چپی خودداری کرده‌است، به آنها اجازه برپائی میتینگ و انتشار روزنامه نمی‌دهد، و غیره. بنابراین، در نتیجه؛ برای کلیه چپ‌ها مطمئن‌تر و صحیح‌تر است که در لیست انتخابات با کادتها ترکیب شوند.

این حقیقت ندارد. این حقیقت که دولت متوسل به خشونت، و قانون‌شکنی و تجاوز به آزادی انتخابات می‌شود، فقط می‌تواند پشت توده‌های رأی‌دهنده راست و محکم کند. ماسوسیال‌دموکرات‌ها ضرر نمی‌کنیم، بلکه از دید رأی‌دهندگان، به خاطر این حقیقت که پلیس مکرراً به خاطر سخنرانی‌های ما جلوگیری از تظاهرات را شدت می‌بخشد، ما سود می‌بریم. اگر جنگ با دولت به خاطر قانون‌شکنی‌اش مطرح است - چگونه توافقی با کادتها به این مسئله کمک می‌کند؟

این امر به حل مشکلات کمک نمی‌کند بلکه کارها را به عقب

می اندازد ، زیرا که حزب کادت ترمسوترین حزب اپوزیسیون است ،
حزبی که بیشترین خیانت را مرتکب می شود. آیا ممکن است برای
مبارزه با قانون شکنی وزراء کابینه با حزبی همراه شد که کوتلر
(Kutler) وزیر سابق ، همقطار تازه ویت (Witte) و دورنوو (Durnovo) ،
عضو آن باشند؟ برعکس ، از آنجائی که کوتلرها به دورنوها و
استولپینها بسیار نزدیکتر هستند تا به توده های کارگرو شاگرد مغازه ها ،
به همین دلیل ما به خاطر جنگ برای آزادی باید از حزب کادت ، حزبی که
متعلق به کوتلرها است ، مستقل بمانیم .

بگذارید فرض کنیم که دولت تصمیم به ربودن و دستگیر کردن
منتخبین چپ گرفته است. آیا توافق با کادت ها هیچ سودمندی به بار
خواهد آورد؟ ویاسوسیا لیست ها باید متکی به طلب بخشش کوتلر کادت
از وزراء کابینه استولپین و گورکو ، همقطارهای اخیر آنان ، به نفع
انقلابیون باشند؟

اخیراً روزنامه ها گزارش دادند که استولپین آقای میلیو کوف
(Milyukov) رهبر کادت ، را می پذیرد تا در مورد قانونی شدن حزب
کادت به بحث بنشینند* .

آیا سوسیالیست ها متکی به این باشند که آقایان کادت ها برای
قانونی شدن احزاب ترودویک ها ، سوسیال رولوسیونر ویا سوسیال-
دمو کرات ها عرض حال بدهند؟

* دریک میتینگ انتخاباتی در مدرسه تنیشف ، در ۲۲ ژانویه ، آقای
ودووزف (Vodovozov) اعلام کرد که آقای میلیو کوف استولپین را دیده است
و به توافق هائی رسیده اند ، و حزب آزادی خلق مسئول رهبران آن می باشد. بدو
نفی این حقیقت که ، آقای گردسکول (Gredeskul) اعلان کرد که اگر آقای
میلیو کوف ، استولپین را دیده بود ، به نفع کشور و حزب بوده است.

يك سوسیالیست با وجدان و با آزر هرگز در يك لیست مشترك
با کوتلرها و میلیو کوفها ظاهر نخواهد شد.

* *

*

آیا سوسیالدمو کراتهامی توانند در انتخابات سنت پیترزبورگ
پیروز شوند؟

روزنامه‌های کادتی با بهره برداری از توقیف روزنامه‌های سوسیال-
دمو کراتها توسط دولت، گوش خوانندگان خود را چنین پر می کنند
که انگار پیروزی سوسیالدمو کراتها در انتخابات بدون کمک
کادتها نیز قابل تصور می باشد.

این حقیقت ندارد. برای سوسیالدمو کراتها کاملاً امکان پذیر
است که در سنت پیترزبورگ بر کادتها و صد سیاه‌ها پیروز شوند.

کادتها وانمود می کنند که این امر را نمی بینند، عمداً خود را
به فراموشی می زنند که تقسیم رأی نه تنها به نفع صد سیاه‌ها بلکه به نفع
هر حزبی خواهد بود.

اگر رأی به طور مساوی بین کادت و سوسیالدمو کرات تقسیم
شود صد سیاه‌ها ممکن است در سه حوزه از دوازده حوزه پیروزی
به دست آورند.

اگر رأی بین کادتها و صد سیاه‌ها تقسیم شود، سوسیالدمو کراتها
در دوازده حوزه از دوازده حوزه انتخاباتی امکان پیروزی خواهند داشت.
هر کسی برای قانع شدن خود، فقط لازم است به ارقام ذکر شده
در بالا نظر بیفکند. این ارقام نشان می دهند که، (بر اساس رأی شماری
انتخابات گذشته) با اضافه شدن يك رأی به نصف کل آراء کادت در هر حوزه،
این امکان وجود دارد، که در تمامی سنت پیترزبورگ پیروز شد.

برای این امر ما نباید کمتر از ۴۲۷۴ رأی را در ۹ حوزه «مطمئن»
سنت پیترزبورگ داشته باشیم (این ها شامل سه حوزه ای که صد سیاه ها
! مکان پیروزی دارند، نمی شوند).

و آیا واقعاً برای سوسیال دموکرات ها امکان پذیر نیست که
در سنت پیترزبورگ آرائی بین ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ را به خود
اختصاص دهند؟

در سنت پیترزبورگ تعداد شاگرد مغازه ها و کارمندان دفتری که
می توانند رأی دهند، به تنهایی، به ۳۰ تا ۵۰ هزار می رسد. گولوس
پریکازچیکا (Golos Prikazdsika) روزنامه اتحادیه شاگرد مغازه ها،
از خط سوسیال دموکرات ها حمایت می کند. اگر تمام سوسیالیست ها
در آژیتاسیون بین شاگرد مغازه ها متحد می شدند، و اگر در الحاق لیست
ترودویک ها به لیست خود به توافق می رسیدند، این شاگرد مغازه ها و
کارمندان ادارات، به تنهایی، می توانند پیروزی لیست انتخاباتی
متحد سوسیال دموکرات ها و ترودویک ها را تضمین کنند.

گذشته از این، تعداد زیادی مستأجرین فقیر وجود دارند، که
کاملاً می توانند درک کنند که سوسیالیست ها از منافع آنان بهتر دفاع
خواهند کرد تا صاحب خانه ها و زمینداران لیبرال، و کلای اعیان
و صاحب منصبان دولتی، پترون کویچ ها، رودیشف ها، ویناوزها،
و کوتلرها.

به میتینگ های انتخاباتی در سنت پیترزبورگ نگاه کنید. حتی
روزنامه های کادت که در گزارش این میتینگ ها، بطور بی رحمانه ای
اوضاع را به نفع کادت ها تحریف می کنند، آنان نیز مجبورند اعتراف
کنند که ستیز واقعی بین کادت ها و سوسیال دموکرات ها است و نه بین
راست ها و چپ ها. میتینگ های انتخاباتی سنت پیترزبورگ، بی چون

و چرا ، ثابت می کنند که سوسیال دموکرات ها ، به خصوص همراه با
ترودویک ها ، در سنت پیترزبورگ ، قوی تر از کادتها می باشند .
چند رأی دهنده در میتینگ های انتخاباتی شرکت خواهند کرد ؟
به عقیده مردم محتاط ، این عده بیشتر از یک دهم کلیه رأی دهندگان
نخواهد بود . بیائید ببینیم ، هر چند که این ارقام ، پائین ترین رقم هستند .
این امر به ما ۱۰/۵۰۰ رأی دهنده می دهد . بعلاوه ، ما ممکن است این را
مسلم فرض کنیم که هر رأی دهنده ای که در میتینگ ها شرکت کرده است
با خودش اقلاً دو نفر دیگری را که اصلاً در هیچ میتینگی شرکت
نکرده اند به صندوق های رأی می آورد . با قضاوت از روی کلیه این
حقایق و مشاهدات ، آراء ۲۰/۵۰۰ از ۳۹/۵۰۰ رأی دهنده برای سوسیال
دموکرات در اتحاد با ترودویک ها ، نخواهد بود .

بنابر این ، این ارقام نشان می دهند که پیروزی سوسیال دموکرات ها
بر کادتها و صد سیاه ها در سنت پیترزبورگ کاملاً ممکن می باشد .
تمام رأی دهندگان سنت پیترزبورگی باید بدانند که تماماً به آنان
بستگی دارد که کادتها پیروز شوند و یا سوسیال دموکرات ها .

* *

*

سوسیالیست ها مبارزه انتخاباتی خود را در سنت پیترزبورگ ،
در درجه اول و اصولاً ، با هدف روشنگری و متحد کردن توده ها ، هدایت
می کنند . سوسیالیست ها می کوشند توده ها را نسبت به اموری که
اکنون ، در راه مبارزه برای آزادی ، در مقابل خلق قرار دارد ، روشن
سازند . در حالیکه ، لیبرال ها دل نگران چیزی نیستند مگر کرسی های
دوما ، و برایشان اهمیت ندارد که رأی دهندگان آرمان روشن و قاطعی
دارند یا نه .

لیبرال‌ها، یعنی کادتها، و متزلزلینى که راه آنان را می‌روند، بعضی مواقع رأی‌درمیتیگ‌های انتخاباتی کسب می‌کنند، میتینگ‌هایی که در برخی از آنها، اینان موفق به تحصیل اکثریت عظیمی می‌شوند، زیرا که خواستار راه‌حل‌هایی در مورد توافق بین تمام چپ‌ها می‌شوند، آنهم با این درك که دو کرسی از شش کرسی را باید کادتها اشغال کنند.

کسانیکه چنین راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنند و کسانیکه به آنان رأی می‌دهند، نشان می‌دهند که در تشخیص موقعیت انتخاباتی سنت‌پترزبورگ شکست‌خورده‌اند. در سنت‌پترزبورگ توافق بین «تمامی چپ‌ها» وجود ندارد و نمی‌تواند هم وجود داشته باشد. سه‌لیست انتخاباتی در سنت‌پترزبورگ وجود خواهد داشت: صدسیاه، کادتها، و سوسیال‌دموکرات.

علاوه بر آن، حتی مسخره است به کادتها رأی داد برای آنکه دو کرسی از شش کرسی را اشغال کنند. آنانیکه حقیقتاً چنین نتیجه‌ای را می‌خواهند، باید درك کنند که معامله با کادتها نمی‌تواند مؤثر واقع شود. این کار، تنها، می‌تواند با رأی دادن به سوسیال‌دموکرات‌ها انجام‌پذیر باشد.

در حقیقت، نتیجه‌ای را که بعضی از مردم مشتاق آن هستند (شش کرسی برای چپ‌ها، که دوتای آن به کادتها تعلق داشته باشد) تنها در صورتی می‌تواند به دست آید که سوسیال‌دموکرات‌ها پیروزی بی‌در سنت‌پترزبورگ به دست آورند.

برای مثال، بگذارید فرض کنیم که سوسیال‌دموکرات‌ها در چهار حوزه، یعنی حوزه‌های اسپاسکی (Spassky)، مسکو (Moscow)، پترزبورگ (Petersburg) و ویبورگ (Vyberg) پیروز شوند. بدین ترتیب

آنان ۶۰ انتخاب کننده، و با بخش کارگری Curia، ۷۴ انتخاب کننده خواهند داشت. صدسیاهها (مانا مساعدترین و غیرمحمتملترین مورد را در نظر میگیریم) ۴۶ انتخاب کننده خواهند داشت، (حوزه‌های لیتنی، رژدستونسکی (Rozhdestvensky) و واسی‌سی‌وسکی اوسترو (Vasilyevsky Ostrov). در این صورت کادتها بقیه ۵۴ انتخاب کننده را خواهند داشت.

این طریقی است که طبق آن ما می‌توانیم انتخاب نمایندگان چپ دوما را در سنت پیترزبورگ تضمین کنیم، که در آن برتری با کسانی است که در موضع چپ‌تر از کادتها قرار گرفته‌اند. این پیروزی نمی‌تواند، برخلاف آنچه که مردمان غیر آگاه و متزلزل می‌خواهند، با کنار آمدن با کادتها به دست آید.

* *

*

بگذارید به‌طور خلاصه جمع‌بندی‌های مان را بیاوریم.

فقط سه حزب عمده در انتخابات سنت پیترزبورگ مبارزه می‌کنند، و انتخاب کنندگان سه لیست در مقابل خود خواهند داشت: صدسیاه، کادت، و سوسیال دموکرات.

خطر پیروزی صدسیاه در سنت پیترزبورگ، جعلیات پوچی است.

حتی اگر رأی کادت، به نام طلب‌ترین شکل، بین کادتها و سوسیال دموکرات‌ها تقسیم شود، پیروزی صدسیاه غیرممکن است. افسانه «خطر صدسیاه» در سنت پیترزبورگ عمداً توسط کادتها بزرگ جلوه داده می‌شود که خطر واقعی که خود آنان را تهدید می‌کند، یعنی پیروزی سوسیالیست‌ها را دفع کنند.

ترودویک‌ها، سوسیال رولوسیونرها، و چند گروه کوچک هنوز
تصمیم نگرفته‌اند که آیا از کادتها پیروی کنند یا از سوسیال-
دموکرات‌ها.

در سنت پترزبورگ این امکان کاملاً، برای سوسیال‌دموکراتها
وجود دارد که پیروزی قاطعی بر صد سیاه‌ها و کادتها به دست آورند.
رأی‌دهندگان باید بر طبق عقیده و تمایل خود، و نه بر اساس ترس
واهی از خطر صد سیاه، رأی دهند.

آیا شما طرفدار حکومت هستید یا طرفدار بورژوازی لیبرال، و
یا هوادار سوسیال‌دموکرات؟

شهروندان انتخاب خود را بکنید!

۲۵ ژانویه ۱۹۰۷

انتخابات سنت پیترزبورگ و

دوروی سی و یک منشویک

امروز (۱۹ ژانویه)، روزنامه ناوارش گزیده مفصلی از مرامنامه منشویک‌هایی را که در آستانه انتخابات سنت پیترزبورگ از تشکیلات سوسیالیستی کناره گیری کردند، چاپ کرده است. پیش از هر چیز، بیائید تاریخچه واقعی کارهای منشویک‌های بریده از سوسیال دموکرات‌ها را، پیش از بیرون رفتنشان از کنفرانس، مرور کنیم.

(۱) آنان، پس از بریدن از کارگران سوسیال دموکرات، وارد اتحاد با خرده بورژوازی (سوسیال رولوسیرنرها، ترودویک‌ها و سوسیالیست‌های توده‌ای) شدند تا مشترکاً، بر سر کرسی‌ها چانه بزنند. توافق مکتوبی که طبق آن بریدگان از سوسیال دموکرات‌ها به بلوک

خرده بورژوازی پیوستند، از چشم کارگران و از انظار عمومی مخفی نگاه داشته شد.

با این حال، ما کاملاً امیدواریم که این توافق، بالاخره، منتشر شود و رازها و نهنکاریها بر ملا شود.

(۲) منشویک‌های بریده، به عنوان بخش متشکله‌ای از بلوک خرده‌بورژوا (که روزنامه‌ها، به غلط، عنوان «بلوک چپ» به آن می‌دهند) برای سه کرسی از شش کرسی این بلوک با کادتها چانه می‌زدند. کادتها دو کرسی پیشنهاد کردند. نتوانستند باهم راه‌بیایند. ملاقات بین «کنفرانس» (این عبارت مال مانیسست - به عاریت از روزنامه‌هاست) خرده‌بورژوا و کادتها در ۱۸ فوریه بر گزار شد. رش و هم‌تاوارش آنرا گزارش کردند. رش امروز اعلام نمود که توافقی صورت نگرفت (هر چند که ما باید، البته، آماده شنیدن این خبر باشیم که مذاکرات هنوز هم، در پشت پرده، در جریان است).

تا اینجا، منشویک‌ها هیچ اطلاعاتی در مورد اقداماتشان برای فروش آراء کارگران به کادتها، به مطبوعات نداده‌اند. آنان، احتمالاً، گزارش خود را به بلوک خرده‌بورژوا، که خود نیز بخشی از آنرا در مذاکرات تشکیل می‌دادند، خواهند داد و نه به حزب کارگران.

احتمالاً، آنان دوست ندارند بگویند که چرا رفیق دان در مذاکرات شرکت نمود، هر چند که نه گروه سی و یک نفر و نه هیچ سازمان‌حزبی دیگری چنین ماموریتی به او نداده بود.

چنین است اعمال سی و یک منشویک.

حرفشان چیست؟

نخست، آنان، با حاشا کردن وجود خطر صد سیاه در سنت پترز-

بورگت ، چنین استدلال می کنند که بلشویک ها حق نداشتند توافق به
خواهی از سوسیالیست ها و تروتسکیست ها اعلام نمایند ، چرا که
مخالف با تصمیمات کنفرانس سرتاسری روسیه (All Russian Conf...) بود که
خواستار اقدام مستقل از جانب سوسیالیست ها ، در صورت
عدم وجود خطر صدسیاه ، بود .

این استدلال از آغاز تا پایان غلط است .

سی ویک منشویک بریده ، افکار عمومی را گول می زنند . هیچ
اقدام حزبی حکم رسمی درباره توافق با سوسیالیست ها و تروتسکیست ها
و تروتسکیست ها در غیاب خطر صدسیاه هرگز نکرده است . چنین توافق ،
مثلاً ، در مسکو انجام پذیرفته است و کمیته مرکزی با آن به جدال
بر نخاسته است .

اما این تمام مطلب نیست . مطالب زیر نشان می دهد که منشویک ها
به هنگام کمک گرفتن از تصمیمات کنفرانس سوسیالیست و کراتیک
سرتاسری روسیه ، تاچه حد حقیقت را تحریف می کنند ، همه می دانند
که تصمیمات اتخاذ شده در این کنفرانس (مشورتی) بر طبق آراء
منشویک ها و بوندیسیت ها در مقابل آراء بلشویک ها ، لهستانی ها
ولیتوانیایی ها صورت گرفت . و خود همین بوندیسیت ها که وسیله ای برای
به تصویب رسیدن تصمیمات کنفرانس سوسیالیست و کراتیک سرتاسری
روسیه بودند ، رسماً ، با سوسیالیست ها و تروتسکیست ها ، و بطور کلی
دموکرات های انقلابی ، را تجویز کردند ، آنهم وقتی که خطر صدسیاه
وجود ندارد ، بلکه خطر کادتها خودنمایی می کند . کمیته مرکزی بوند
تصمیمی در این مورد گرفته که اعتراضی به آن نشده است . این امر در
ناشاترینونا ، ارگان روسی بوند گزارش شد و این را تمام سوسیالیست
دموکرات هایی که قادر به خواندن هستند ، می دانند .

سی ویک منشویک کارگران و تمام خوانندگان را فریب می دهند. ماهمچنین توضیح داده ایم که کنفرانس دمو کراتیک سرتاسری روسیه به کمیته مرکزی ماموریت داد که غیر سوسیال دمو کرات ها را از لیست انتخاباتی سوسیال دمو کراتیک خارج کند، یعنی، طالب اقدام مستقل از سوی بخش سوسیال دمو کرات ها شد. تا اینجا، کمیته مرکزی، هیچ کجا، از این حق استفاده نکرده است، پس، درحقیقت، استقلال عمل بودند و تمام دیگر سازمان های حزب کار سوسیال دمو کرات روسیه را برسمیت شناخته است.

گذشته از آن، منشویک ها از این ناراضی اند که کنفرانس، سوسیالیست های توده ای (P.S.) یا سوسیال نارودنیک ها را از بلوک ترودویک ها کنار گذاشت. سی ویک منشویک می نویسد: «همه می دانند که این سه حزب [سوسیال رولوسیونرها، سوسیالیست های توده ای و ترودویک ها؛ آخری یک حزب نیست] از مدتها پیش بلوک مستحکمی ساخته اند و مشترکاً عمل می کنند.»

این نیز دروغی دیگر است. اولاً، هرگز رسماً، در هیچ کجا، اعلام نشده که چنین بلوکی تشکیل شده و آیامقولات و مقررات آن واقعاً به صورتی هست که بتوان نام «بلوک مستحکم» به آن داد. تنها یک گزارش روزنامه ای، آن هم به مبهم ترین شکل، وجود داشته، و آنان، هنگامی که مسائل مهم تری مورد بحث است و روابط رسمی بین احزاب وجود دارد، نمی توانند به آن گزارش تکیه کنند. درثانی، این حقیقت که سوسیال رولوسیونرها و کمیته گروه ترودویک، که از سوی کنفرانس سوسیال دمو کراتیک با آنها تماس برقرار شد، بدون سوسیالیست های توده ای، شروع به مذاکره کردند، ثابت می کند که بلوک سه حزب و گروه ترودویک بویژه، از نوع «مستحکم» نبوده است! بلوکی که

نتواند اجراء تشكيل دهندہ اش را از انجام مذاكرات مستقل از ديگر
 اعضا بازدارد، نمی تواند بلوك مستحکم خوانده شود. ما تاکنون در این
 مورد که موافق توافقی با سوسیالیست های توده ای نیز هستیم، پاسخی
 رسمی از سوسیال رولوسیونرها دریافت نکرده ایم. سوم اینکه، روزنامه
 تاوارش، در همان صفحه در ارتباط با سی و یک منشویک، «راه حل ۱۶
 ژانویه کمیته سنت پیترزبورگ حزب سوسیال رولوسیونر» را چاپ کرد.
 به این راه حل یادداشتی چنین نوشته شده است: «خروج سوسیالیست های
 توده ای از توافق [یعنی، توافق بین سوسیال رولوسیونرها، ترودویک ها
 و سوسیالیست های توده ای] توافق رافسخ نخواهد کرد. با این حال، خروج
 هر حزب و گروه سوسیالیست دیگری توافق را منسوخ خواهد ساخت.»
 پس، حقایق ثابت می کنند که منشویک ها، وقتی که بلوك
 ترودویک ها را بلوکی مستحکم می نامیدند، از حقیقت سخن نمی گفتند.
 کنفرانس سوسیال دموکرات های سنت پیترزبورگ در رد کردن
 سوسیالیست های توده ای حق داشت. اولاً این کار از نظر اصولی درست
 بود، چون شکمی نیست که حزب سوسیالیست توده ای، بیش از هر حزب
 ترودویک دیگر، در موضع راست قرار دارد و بیش از همه غیر قابل اتکاء
 و نزدیکتر به کادتهاست. دوم، این کار از نظر علمی نیز صحیح بود،
 چون پیش بینی درستی از آن خطر جداکننده بین احزاب ترودویک را
 داشت که اخیراً خود را در دوره مبارزات انتخاباتی آشکار ساخت. اینک
 برای همه آشکار است که، اگر هم ترودویک ها، به هر صورت، در سراندن
 سوسیالیست های توده ای به سوی ما موفق می شدند (البته، مسخره می
 بود که از دخول سوسیالیست های توده ای به بلوك ترودویک ها ترسی
 وجود می داشت، اگر این دخول باعث پیروزی بر کادتها در سنت پیترز-
 بورگ می شد)، مسئولیت در مورد ترودویک های غیر قابل اتکاء، تماماً

بردوش سوسیال رولوسیونرهای افتاد نه سوسیالدمو کراتها. حزب کارگران دقت کرد که تمام کارگران و شهروندان تفاوت واقعی بین ترودویکهای قابل اتکا تر و ترودویکهای کمتر قابل اعتماد را بدانند؛ این حزب دقت کرد که مسئولیت ترودویکهای بد با سوسیال رولوسیونرها باشد، نه با حزب پرولتاریا.

از این همه هیاهو در مورد سوسیالیستهای توده‌ای چه نتیجه‌ای باید گرفت؟

نتیجه این است که منشویکها در پیوستن بدون قید و شرطشان به بلوک خرده‌بورژوا، به روشی غیر اصولی رفتار کردند، و اینکه ناتوانی خود را در انجام وظیفه‌ای که سوسیالدمو کراتها در یک مبارزه انتخاباتی باید انجام می‌دادند، یعنی ناتوانی خود را در آموزش توده‌ها مبنی بر کشیدن خط فاصل دقیق و شایسته بین احزاب نشان دادند. منشویکها جای دادن خویش را در یک بلوک واحد خرده‌بورژوا با سوسیالیستهای توده‌ای، یعنی، بعبارت دیگر، با گروه نیمه کادت تسریع کردند.

بلشویکها در مورد اصول پیگیر بودند. آنان بایک راه حل علنی شروع کردند، آن را در همه جا بنام اندام رسمی سوسیالدمو کراتیک به چاپ رساندند، و بدین ترتیب همه را از غیر قابل اعتماد و اتکا بودن حزب سوسیالیست توده‌ای مطلع کردند. بلشویکها، اینک، نتیجه‌ای را بدست آورده‌اند که ترودویکهای انقلابی تر (یعنی سوسیال رولوسیونرها) خودشان اعلام کرده‌اند، اینکه سوسیالیستهای توده‌ای ممکن است بلوک ترودویک را ترک کنند، بی آنکه این امر منجر به انحلال بلوک شود.

بلشویکها به جدا کردن ترودویکهای انقلابی از ترودویکهای فرصت طلب دست یافته‌اند منشویکها تا گلودر بلوک فرصت طلبی خرده

بلشویک‌ها ، علنا و رسماً از ترودویک‌ها خواستند که در نبرد با کادت‌ها به آنان پیوندند، و از پیش نتایج سیاسی بی‌چون و چرایی هم کسب کرده‌اند ، هر چند که هنوز هم وارد هیچ بلوک‌کی با هیچ کس نشده‌اند. منشویک‌ها، نهان از دیده کارگران، و با بی‌اعتنایی به اصول ، به بلوک خرد بورژوا لغزیده‌اند ، بگونه‌ای که با کادت‌ها به چانه زنی پردازند .

از این جاست که کارگران می‌توانند قضاوت نمایند که آیا منشویک‌ها واقعاً رهبری‌شان می‌کنند یا نه .

استدلال سوم و نهایی سی‌ویک منشویک این است که توافق بین سوسیال دموکرات‌ها و ترودویک‌ها در سنت پیترزبورگ خطر صد سیاه را از میان بر نمی‌داشت، بلکه این خطر را افزون‌تر می‌کرد. این ارزیابی چنان بیهوده و چنان سفسطه‌جویانه است که ما باید استدلال منشویک‌ها را به‌تمامی نقل کنیم :

« لیست انتخاباتی مشترک سوسیال دموکرات‌ها و نارودنیک‌ها برای برگرداندن آراء زیادی از کادت‌ها به اندازه کافی اقبال توده‌ای خواهد داشت اما نه به آن اندازه که پیروزی در سرتاسر سنت پیترزبورگ را کسب کند، بویژه که، به‌دیده رأی‌دهنده متوسط، شرمندگی ناشی از عدم شمول توافق بین تمام احزاب انقلابی و اپوزیسیون نصیب سوسیال دموکرات‌ها و متحدین آنها خواهد شد. در آن صورت، کننده شدن تعداد قابل ملاحظه‌ای از آراء کادت‌ها به نفع صد سیاهان متحد تمام خواهد شد، و او هم لیست انتخاباتی کادت و هم لیست انتخاباتی چپ را شکست خواهد داد.»

کل این استدلال تکه‌ای از سفسطه‌ای تو خالی است که می‌خواهد چانه‌زدن‌هایی را که در مورد کرسی‌ها بین کادتها و منشویک‌ها در جریان است، مخفی کند.

براستی، بیندیشیم منشویک‌ها چه می‌گویند: توافق بین سوسیال-دموکرات‌ها و ترودویک‌ها خطر صدسیاه را افزایش خواهد داد، چون تعداد زیادی رأی را از کادتها برمی‌گرداند! خیلی خوب، رفقای عزیزمن! ولی، به عقیده شما، کی خطر پیروزی صدسیاه بیشترین است؟ - وقتی که آرای تمام غیر صدسیاهان بین دولیست انتخاباتی تقسیم شوند یا زمانی که این آراء میان سه لیست انتخاباتی بخش شوند؟ فرض کنیم صدسیاهان ۰.۰۱ رأی دارند و بقیه ۲/۱۰۰ رأی. کی خطر پیروزی صدسیاه بیشتر است: وقتی که ۲/۱۰۰ رأی بین دولیست تقسیم شود یا زمانی که همین تعداد بین سه لیست انتخاباتی تقسیم شود؟

سی‌ویک منشویک می‌توانند از هر بچه مدرسه‌ای بخواهند که در حل این مسأله بفرنج کمک‌شان نماید.

ولی باید باز هم پیش‌تر رویم. وقتی که منشویک‌ها به‌عدم درک این مسأله اقرار می‌کنند که اگر توافق بین سوسیال‌دموکرات‌ها و ترودویک‌ها بوجود آید، تنها دولیست انتخاباتی ضد صدسیاه در سنت-پترزبورگ وجود خواهد داشت و در غیر این صورت سه لیست، تنها به‌چرندبافی مبتدل نمی‌پردازند. تمام مسأله این نیست.

به‌علاوه، سی‌ویک منشویک چنان در مورد تاریخ اولین انتخابات فراموشکار هستند که نسبت آراء صدسیاهان و کادتها در سنت-پترزبورگ را برای دوما‌ی اول نمی‌دانند. ما ۱/۰۰ رأی برای صدسیاهان و ۲۱۰۰ رأی برای بقیه را بیهوده عنوان نکردیم. این مثال نمونه‌ی تپیک نه‌بخش از دوازده بخش سنت-پترزبورگ در انتخابات دوما‌ی اول بود.

در این نه بخش که با هم ۱۱۴ واحد از ۱۶۰ واحد کل انتخاب-کننده‌ها را داشت، پائین‌ترین رأی کادت بیش از دوبرابر بالاترین شماره رأی برای صدسیاهان، یا به اصطلاح بلوک راست، بود. این، چه چیزی را نشان می‌دهد؟

نشان می‌دهد که اگر دو است انتخاباتی «چپ» (یعنی، غیر صدسیاهان) در سنت پیترزبورگ وجود داشته باشد، هیچ تقسیم قابل درک آراء بین چپ‌ها نمی‌تواند منجر به پیروزی صدسیاهان بشود. چون سی و یک منشویک حساب ابتدایی‌شان ضعیف است، اجازه بدهید برایشان توضیح دهیم: بگذار آنان بکشند که ۲/۱۰۰ رأی را طوری به دو قسمت تقسیم کنند که ۱۰۰۰ رأی صدسیاه این هر دو قسمت را شکست دهد.

بگذار منشویک‌ها در مورد این مسأله به مغزشان فشار بیاورند، و همان‌طور در مورد این مسأله که آیا سه لیست انتخاباتی بجای دو لیست خطر صدسیاه را افزایش خواهد داد یا کم خواهد کرد. زمینه‌ای وجود ندارد که طبق آن فرض شود که صدسیاهان در انتخابات امسال سنت پیترزبورگ قوی‌تر از آنند که در انتخابات سال پیش بودند. هیچ سیاست‌پیشه درست‌اندیش جسارت چنین ارزیابی را به خود نمی‌دهد. برای همگان آشکار است که صدسیاهان، بعد از افشاء مورد لیدوال و سوء قصد به هرزن شتاین و غیره، کاملاً بی اعتبار شده‌اند. همه می‌دانند که، اینک، خبرهای پیروزی چپ در انتخابات از همه جای روسیه می‌رسد.

در چنین شرایطی، داد و قال در مورد خطر صدسیاه یا نتیجه جهالت مطلق و یا ناشی از سفسطه و فرضیه بافی است. و اینان کسانی هستند که اهداف حقیقی خود را می‌پوشانند و پشت صحنه کارهایی

می کنند که زینده ریا کاران است. منشویکها فریاد خطر صدسیاه را بلند می کنند تا بدین ترتیب ، توجه کارگران را از بازی ای که آنان، یعنی منشویکها، می کنند، و یا اخیراً، با پیوستن به بلوک خرده بورژوا و معامله با کادتها کردند ، منحرف کنند.

اگر دولیست انتخاباتی ارائه شود، هیچ شکافی در آراء منجر به پیروزی صدسیاهان در انتخابات سنت پیترزبورگ نمی شود، مگر آنکه صدسیاهان بیشتر از انتخابات گذشته بتوانند رأی بیاورند - و همه قرائن دلالت بر این دارد که رأی آنها افزایش نخواهد یافت، بلکه کم تر نیز خواهد شد.

بنابراین ، پیوستن منشویکها به بلوک خرده بورژوا و معامله با کادتها، به هیچ وجه، به منظور مبارزه با خطر صدسیاه نبود - این يك افسانه کودکانه است که فقط کسانی را می فریبد که یا مطلقاً جاهل هستند یا ابله .

منشویکها با کادتها معامله کردند تا نماینده خود را، علی رغم میل کارگران ، و با کمک کادتها ، به دوما بفرستند - این تنها توجیه چنین بریدنهائی از سوسیال دموکراتها و پیوستن به بلوک خرده بورژوا و از بلوک خرده بورژوا به کادتهاست .

هیچ کس ، مگر خیلی بی مایگان ، نمی تواند از دیدن هدفی که در پس عمل منشویکهاست، قاصر باشد، هدفی که آنان تلاش می کنند با هیاهو دزمورد خطر صدسیاه، آن را لاپوشانی کنند.

منشویکها، در حالیکه در بلوک خرده بورژوا بودند، بر سه کرسی در دوما پای می فشردند تا یکی نصیب خود آنان شود. اگر کادتها فقط دو کرسی را واگذار کرده بودند، ممکن بود منشویکها حتی آن يك کرسی را هم به دست نیاورند. کادتها مستقیماً يك کرسی را به منشویکها

(سوسیالیست‌های توده‌ای) پیشنهاد کردند، اما جرأت نکردند کرسی دیگری را از بخش کارگران بگیرند. و هنوز اطمینانی نیست که در بخش کارگران چه کسی برنده خواهد بود.

و دقیقاً به همین خاطر است که منشویک‌ها نمی‌گویند که رفیق‌دان با چه مأموریتی عمل می‌کرد، بر اساس چه موادی به بلوک خرده‌بورژوا پیوستند، و در «کنفرانس» بلوک خرده‌بورژوا با کادتها، دقیقاً، چه چیزهایی مورد بحث قرار گرفت و غیره و غیره. پس از چنین رفتاری از سوی منشویک‌ها، ما هنوز نمی‌دانیم و نمی‌توانیم بدانیم، اینک که کادتها آنان را رد کرده‌اند، آنان کی برخواهند گشت. آیا سوسیالیست‌های توده‌ای با منشویک‌ها ترکیب خواهند شد تا با خرده‌رنگ‌کنی، دو کرسی از کرسی‌های کادتها را به بهای بخش کارگران، صاحب شوند (یکی از دبیران روزنامه‌رش از احتمال چنین تصمیمی سخن گفت)؛ یا آیا منشویک‌ها درباره لیست‌های مستقل سوسیال-دموکرات تصمیم خواهند گرفت، یعنی آیا تصمیم خواهند گرفت که به عوض دولیست، سه لیست انتخاباتی چپ وجود داشته باشد؟ و یا، به دنبال دیدارهای بی‌ثمرشان از اتاق پذیرایی‌های بلوک خرده‌بورژوا و اتاق کفش‌کنی کادتها، به حزب کارگران سوسیال‌دموکرات و تصمیمات مستقل آن برخواهند گشت؟

اگر منشویک‌ها و اقع‌درسایه ترس از خطر صدسیاه، و نه پیچ و تاب برای گرفتن کرسی در دوما از دست کادتها، هدایت می‌شدند، آیا امکان داشت که بر سر تعداد کرسی‌ها، از کادتها بپزند؟

موقعی که یک سوسیالیست، بواقع، به خطر صدسیاه باور داشته باشد و صمیمانه بخواهد با آن بجنگد - او، بدون چانه زدن و معامله، به لیبرال‌ها رأی می‌دهد و به این خاطر که عوض سه کرسی دو کرسی به او پیشنهاد

شده، مذاکرات را قطع نمی کند. مثلاً، اگر چنین پیش آید که در دور دوم رأی گیری در اروپا، خطر صدسیاه پیش بیاید یعنی وقتی که؛ لیبرالها؛ مثلاً، ۸/۰۰۰ رأی بیاورند، نمایندگان صدسیاه یا ارتجاعیون، ۱۰/۰۰۰ رأی و سوسیالیستها؛ ۳/۰۰۰ رأی. اگر سوسیالیستها باور داشته باشند که خطر صدسیاه خطری واقعی به طبقه کارگراست، رأی خود را به لیبرالها خواهند داد. ما در روسیه دور دوم رأی گیری نداریم؛ اما ممکن است وضعیتی مشابه دور دوم رأی گیری در مرحله دوم انتخابات داشته باشیم. اگر از ۱۷۴ انتخاب کننده، فرض کنید؛ ۸۶ تا از صدسیاهان، ۸۴ تا از کادتها و ۴ تا سوسیالیست بودند، سوسیالیستها باید آراء خود را به کاندیداهای کادتها بدهند؛ و تا کنون، هیچ عضوی از اعضای حزب کارگران سوسیال دموکرات روسیه این امر را مورد سؤال قرار نداده است.

منشویکها چنین ارزیابی می کنند که از خطر صدسیاه در سنت پترزبورگ بیمناکند، و با این حال، بر سر مسأله دویاسه کرسی از کادتها می برند.

این يك سفسطه ساده و تو خالی است، که نشانگر آن است که چگونه بخش خرده بورژوازی حزب کارگران بزسریک کرسی مفلوک در دوما، که از کادتها گدایی شود، پرچانگی می کند.

به همان اندازه، این حرف منشویکها که امروزه در مورد مبارزه مستقل سوسیال دموکراتیک در سنت پترزبورگ، بدون تردیدیکها، دراز گویی می کنند، سفسطه گرانه است. بطور مثال، تاواریش گزارش زیر را از سخنرانی آقای لویتسکی (Levitsky)، منشویک، در میتینگی «تئاتر نهمتی، در تاریخ ۱۹ ژانویه، منتشر کرده است: «سوسیال دموکراتها استقلال خود را در مبارزه انتخاباتی فدا کردند، تنها بدین

منظور که خطر صدسیاه را بر گردانند. چون سوسیال دموکرات‌ها در امر خود شکست خورده‌اند، باید حداقل در گسترش آژیتاسیون وسیع بکوشند، و سخنران، بدین ترتیب، در جهت اقدام مستقل از سوی سوسیال دموکرات‌ها سخن گفت.

بافرض اینکه که این آقای لویتسکی، در ذهن و قضاوت، ظریف دقیق است، ممکن است پرسیم که آیا او یک سفسطه‌گر و ریاکار نیست؟ چون آنها در «برگرداندن خطر صدسیاه» از طریق ارائه یک لیست مشترک برای تمام چپ‌ها، از جمله کادتها، شکست خورده‌اند، لویتسکی طالب سه لیست چپ است - کادت، سوسیال دموکرات و ترودویک!

این چیست مگر دست و پا زدن آدمی فرصت طلب که احساس می‌کند زمین زیر پایش دهن باز کرده است، کسی که فکر می‌کند ما از یاد می‌بریم که منشویک‌ها پرروز در بلوک خرده‌بورژوا بودند و دیروز با کادتها چانه می‌زدند!

منشویک‌ها به کارگران خیانت کردند و به سوی کادتها رفتند؛ و حالا که معامله سیاهشان به شکست انجامیده، می‌خواهند خود را صرفاً از طریق صحبت درباره اقدام مستقل سوسیال دموکرات تبرئه کنند. اما این یک حرف مفت و یک تظاهر تو خالی است؛ حتی اگر سه لیست انتخاباتی در سنت پترزبورگ وجود داشته باشد. صدسیاهان تنها در صورتی پیروز خواهند شد که آراء چپ تقسیم شده باشد؛ و خود منشویک‌ها با ترک پرولتاریا و ورود به بلوک خرده‌بورژوا برای معامله با کادتها همراه همان بلوک، موقعیت بلوک خرده‌بورژوا را تقویت کرده باشند.

در حقیقت، منشویک‌ها گناهان زیادی دارند که باید خود را از آنها «تبرئه» کنند - چنین است بی‌اعتباری که آنان در جریان مبارزات

انتخاباتی در سنت پیترزبورگ نصیب شان شد. بر استی که ، تنها کاری که منشویک ها ، امروزه ، باید انجام دهند ، آنست که با عبارتهای تهی و قلبه و سلنبه اغراق و دراز گویی کنند . چون خود آنان به طور جدی اعتقاد ندارند که یک لیست سوسیال دمو کراتیک ناب بتواند در شرایط حاضر در سنت پیترزبورگ ارائه شود .

وما با تأکید فراوان هشدار می دهیم که بلشویکها به این عبارات سفسطه آمیز پر آب و رنگ و تهی اعتماد نکنند .

بلشویکها لازم ندارند که خود را از چیزی «تبرئه کنند» یا در موردی ندامت نامه بنویسند . خط سیاسی ما ، که در اول از طرف تمام مطبوعات بورژوایی پایتخت به استهزا گرفته می شد ، اینک از سوی تمام حوادث ، قاطعانه و شکوه مندانه ، توجیه می شود . بیهودگی خطر صد سیاه دارد روشن می شود ، خطر کادت آشکار می شود . سیاست کادت ها ، که رهبر شان از سوی استولپین بار می یابد (یا باریافته است؟) ، اینک افشا می شود .

بلشویکها پشت سپر حزب کارگران وارد بلوک خرده بورژوا نشدند . آنان ، با تطهیر شرکت حزب نیمه کادت سوسیالیست توده ای در جوار ترودویکها ، این بلوک را تقویت نکردند . بلشویکها گامی برنداشته اند و کلامی نگفته اند که احزاب خرده بورژوا ، از روی آن ، چنین تفسیر کنند که سوسیال دمو کرات ها اقدام مستقل را ترک گفته اند . در حالیکه میلیو کف به پای استولپین خم شده بود و منشویکها و ترودویکهای رنگارنگ به میلیو کف تعظیم می کردند - بلشویکها ، به تنهایی ؛ و مستحکم گام بر می داشتند ، هرگز و برای لحظه ای هم از انجام آنچه که لویتسکی و نظایرش امروزه به یاد می آورند ، باز نایستادند ، چرا که با کادت ها جنگیده اند .

بنابر این، ما نباید تحت هیچ شرایطی کار احمقانه‌ای را بکنیم که منشویک‌های ترسو و سفسطه‌گر درباره‌اش ور می‌زنند؛ ما نباید بلوک انقلابی و حمایت خرده‌بورژوازی برای سوسیالیست‌ها بر علیه کادتها را ترك كنيم .

به خاطر پیش گرفتن خط مستقیم و بی‌تردید از سوی بلشویک‌ها بود که ناپایداری ترودویک‌ها و استحکام حزب کارگران (البته؛ به استثنای زائده فرصت‌طلب آن) امروزه برای همه روشن شده است. واقعاً روشن شده است که پرولتاریای سوسیال‌دموکرات، با جهت دادن تمام عناصر دیگر بر علیه صدسیاهان و بر علیه لیبرال‌ها؛ و با رهانیدن تمام احزاب و گرایشات خرده‌بورژوا از نفوذ ایدئولوژی کادت و سیاست کادت، و با ارزیابی علنی درجه پایداری و تزلزل گروه‌های انقلابی و فرصت‌طلب در میان ترودویک‌ها، به راه مستقل خویش می‌رود .

حالا، ترس از رهبری کردن تمام ترودویک‌ها، وقتی که آنان مزه تلخ سخاوتمندی کادتها را چشیده‌اند و آماده جنگ با کادتها هستند؛ بچگگی غیر قابل بخشش و نشانه بی‌جرأتی سیاسی است.

سی‌ویک منشویک که خود را گرفتار چانه‌زدن با کادتها کرده‌اند؛ حالا، علی‌رغم میل خویش، مجبورند بپذیرند که « لیست مشترک سوسیال‌دموکراتیک و ترودویک در برگرداندن آراء از کادت به اندازه کافی اقبال توده‌ای خواهد داشت... ». آری، دقیقاً، همین است! و دقیقاً به همین خاطر است که ما نمی‌توانیم وظیفه سست کردن هژمونی کادتها را در پایتخت، که چشم تمام روسیه بدان دوخته شده، از یاه ببریم .

اگر ما نصف آراء کادتها را در چند بخش؛ به اضافه يك رأی اضافی، به دست آوریم، برنده خواهیم بود؛ چون از تمام مزایای شکاف

بین بورژوازی صدسیاه و بورژوازی لیبرال سازشکار بهره‌مند می‌شویم (در این مورد خطری نیست، چون در نه بخش، کادتها بیش از دو برابر حداکثر رأی صدسیاهان را دارند).

هر روز واضح‌تر می‌شود که منشویکها، آن هنگام که در مورد خطر صدسیاه جنجال کردند، مشی سیاسی غلطی اتخاذ نمودند. آشکارتر می‌شود که امسال؛ نمایندگان و انتخاب‌کنندگان، نسبت به سال گذشته؛ به‌چپ نزدیکتر می‌شوند. به‌عوض عمل به‌سیاق همدستان شرم‌زده و مضحک زمینداران لیبرال (که به‌بهانه خطر صدسیاه، که وجود ندارد، نمی‌تواند توجیه شود)، نقش مفید و مسئولانه‌ای در انتظار ماست: اعمال هژمونی پرولتاریا بر خرده‌بورژوازی دموکرات در مبارزه برای جلوگیری از انقیاد توده‌های ناآگاه به رهبری لیبرالها.

نخستین انتخابات دوما منجر به پیروزی کادتها شد، و این بورژوا لیبرالها حداکثر تلاش را به‌عمل می‌آورند تا این هژمونی را که متکی بر تحمیق توده‌ها، و ضعف آنها در اندیشیدن مستقل و تعقیب مشی سیاسی مستقل است، تحکیم و ابقا نمایند.

وظیفه حتمی و بایسته‌ماست که تمام کوشش خود را به‌عمل آوریم تا؛ بویژه در سنت پترزبورگ، تمام آنانی را که سزاوار و توانای مبارزه با صدسیاهان و کادتها هستند، دور خویش متحد سازیم - متحد کردن آنان در راه انقلاب خلق، در راه عمل مستقل از سوی توده‌های وسیع خلق.

وما این را انجام خواهیم داد بی‌آنکه ذره‌ای استقلال‌ایدئولوژیک و آژیتاسیون سوسیال دموکراتیک خود را قربانی کنیم، بی‌آنکه کمترین عقب‌نشینی‌ای از اهداف سوسیالیستی خود داشته باشیم، که برعکس به این اهداف بیان کامل خواهیم بخشید، و بی‌آنکه؛ برای

لحظه‌ای ، از افشاء تزلزل و خیانت خرده‌بورژوازی بازمائیم .
تنها سوسیال‌دموکرات‌های انقلابی ، مستحکم و قاطع ، در موضع
مبارزه برای آزادی و نبرد برای سوسیالیسم قرار دارند .

نوشته شده در ۲۰ ژانویه (۲ فوریه ۱۹۰۷)
چاپ شده به صورت يك جزوه جدا در ۱۹۰۷

انتخابات سنت پیترزبورگ

و بحران اپورتو نیسم

در ۶ ژانویه، کنفرانس عمومی سنت پیترزبورگ برگزار شد. کنفرانس بر آن بود که تصمیم بگیرد که آیا، در پایتخت، باید توافق‌هایی با کادتها وجود داشته باشد یا نه.

با وجود استیضاح پلخانوف از «رفقای کارگر» که در روزنامه‌ها وارش منتشر شد، علیرغم مقالات دیوانه‌وار خانم ا. کوسکووا، با وجود تهدید پلخانوف مبنی بر گنجانده شدن کارگران در میان «دشمنان آزادی» در صورتی که آنان موضوع مستقل سوسیال دموکراسی را اختیار کنند، و علیرغم صغرا و کبر اچیدن‌های کم و بیش جالب کادتها، پرولتاریای سازمان‌یافته و آگاه به منافع طبقاتی، در سنت پیترزبورگ، بلوغ سیاسی خود را ثابت کرد، و بعد از بحث و رأی‌گیری، اکثریت بر علیه هر نوع توافق با کادتها رأی داد. روشن بود که کنفرانسی که توسط کارگرانی سازمان‌یافته که بر طبق پلاتفرم‌ها، پس از بحث و رأی‌گیری انتخاب شده بودند،* خود را بدانگونه بیان کند.

* به استثنای ناحیه ویبورگ منشویک و ناحیه کوچک فرانکو-روسید،

که در آنها به پلاتفرم رأی داده نشد.

کمبود جامار را مانع می شود تا جریانات کنفرانس را در پورتالتاری، با جزئیات مربوطه، بشکافیم؛ به علاوه، نوشته های مورد توجهی در رابطه با این امر منتشر شده است. یادآوری این نکته مهم است که اپورتون نیست های ما در سیاست سازشکارانه بورژوازی شان، چنان پیش رفته اند که نمی توانند به تصمیمات کنفرانس گردن نهند. از آغاز کنفرانس روشن بود که، منشویکها، تحت حمایت کمیته مرکزی، خود را تسلیم تصمیمات نمی کردند. دوستان کادتها، فقط در جستجوی پیدا کردن بهانه ای بودند تا از سوسیال دموکراسی انقلابی خود را کنار بکشند. بهر گونه، می باید که بهانه ای به دست می آمد. چون مسأله اعتبارنامه ها چنین دستاویزی را به دست نداد، منشویکها از رهنمودهای کمیته مرکزی سود جستند، رهنمودهایی که طبق آنها، مسأله مربوط به تا کتیلهای انتخاباتی در هر حوزه مربوطه می باید تصمیم گیری می شد، و خود کنفرانس نیز می باید به دو بخش، یکی ویژه شهر و دیگری ویژه مناطق حومه و روستا، تقسیم می شد. آنان می خواستند که تقسیم بندی اداری - کشوری پلیس را به جای حوزه های حزبی قالب کنند. اگر پیشنهاد منشویکها پذیرفته می شد، ما نه تنها مجبور می شدیم که حوزه های مربوط به حومه ها را از کنفرانس کنار بگذاریم، بلکه ناگزیر می گردیدیم که به حوزه های تمامیت دار، مثل حوزه نوا، منسکو، ناروا تقسیم شویم، و حزب را متناسب با مقامات کشوری و نه متناسب با خود حزب، از نو سازمان دهیم.

این نیز آشکار بود که، کنفرانس در مورد تقسیم کنفرانس به هر طریقی که تصمیم می گرفت، در هر صورت، اکثریت بر علیه توافق با کادتها رأی می داد.

منشویکها که جدا شدند، و برای سرور خاطر کلیه نشریات

بورژوائی ، تصمیم به رهبری مبارزه انتخاباتی مستقلی در سنت - پترزبورگ گرفتند، مبادرت به مبارزه‌ای بر علیه رفقای حزب خودشان نمودند ؛ و به خاطر توافق با حزب بورژواها و سلطنت طلبان - حزب «آزادی خلق» - در طبقه کارگر سنت پترزبورگ شکاف بوجود آوردند. مطبوعات بورژوائی دلیل زیادی برای شادمانی داشتند! سو دنیا (Sevodnya) روزنامه منسوخ شده در يك سرمقاله ویژه صریحاً اعلام کرد که، منشویکها با این تصمیم، روسیه را نجات دادند ؛ و رش، ارگان رسمی کادتها، قول داده است که با واگذاری يك کرسی از بخش کارگری به منشویکها به آنان پاداش دهد، و در مقابل، تحت هیچ شرایطی به «بلشویک» جایی ندهد.

اولین نتیجه عمل مستقل شدن منشویکها این است که بورژوازی شروع به دیکته کردن اراده خود به روی هیأت انتخابی کارگران کرده است.

کنفرانس در ادامه کار خود، بعد از آنکه منشویکها از آن جدا شده بودند، تصمیم گرفت که، از آنجائیکه خطر صد سیاه در سنت - پترزبورگ وجود ندارد، و برای آنکه هژمونی کادتها را تحلیل برد و خرده بورژوازی دموکرات را از نفوذشان رها سازد، باید، بر سر مواردی معین ، وارد توافقی با سوسیال رولوسیونرها و ترودویکها برای توزیع کرسیها بشود (دوتا به هیأت انتخابی کارگران ، دوتا به سوسیال دموکراتها ، یکی به سوسیال رولوسیونرها و یکی به ترودویکها).

مطبوعات بورژوائی جشنودند: ترودویکها و سوسیال رولوسیونرها با سوسیالیستهای توده‌ای يك بلوک تشکیل داده‌اند ، که به طرف کادتها کشیده می شوند؛ منشویکها از هم پاشیده شده‌اند - بلشویکها

منزوی می شوند! تا کتیک‌های انقلابی محکوم می شوند، « متدهای صلح آمیز » پیروز می شوند، زنده باد توافق با سلطنت طلبان و مرگ بر روش مبارزاتی خلقی توده‌ها!

با تقسیم شدن سوسیال دموکرات‌ها و تضعیف پرولتاریا، غولان انقلاب، کادت‌ها، با پی شرمی، دست به یک معامله - با آقای استولپین - زدند. روزنامه‌ها گزارش می‌دهند که نخست وزیر به - میلیوکوف (Milyukov) اجازه حضور داده‌اند که در یکی دوروز اخیر انجام خواهد گرفت، و شرط نخست وزیر برای قانونی شدن حزب کادت این است: هر گونه بلوکی باچپ، هرگز! کادت‌ها مایل هستند که به کل بلوک « چپ » - عملاً، به خرده بورژوازی - (سوسیالیست‌های توده‌ای، سوسیال رولوسیونرها، ترودویکها، و منشویکها) در سنت پترزبورگ دو کرسی از شش کرسی را واگذار کنند.

کادت‌ها برای تکمیل تحجیب کل صحنه، آماده می‌شوند که دو کرسی را به بلوک خرده بورژوازی لجوج بدهند. کادت‌ها، اگرچه مطمئن هستند که بلوک چپ این را نخواهد پذیرفت، سرگرم مذاکره با استولپین، رئیس صد سیاه‌ها هستند.

صحنه عوض می‌شود. مبارزه انتخاباتی آغاز می‌گردد. تظاهرات انتخاباتی در حال اجرا می‌باشند. منشویکها، که بسیار بسیار به قدرت در این تظاهرات سخنرانی می‌کنند، با ترس و خجالت، خرعبلاتی در مورد موافقتشان با کادت‌ها می‌زنند. بلشویکها، کسانی که در کلیه میتینگ‌ها سخنرانی می‌کنند. پرولتاریا و نیمه پرولتاریا را به ملحق شدن به حزب متحد کارگران - حزب سوسیال دموکرات - دعوت می‌کنند؛ آنان کلیه رای دهندگان انقلابی و دموکرات را به تشکیل یک بلوک انقلابی متحد برضد صد سیاه‌ها و کادت‌ها فرا می‌خوانند. فریاد کادت‌ها گم

می شود و فرو کش می نماید ، در حالیکه بلشویکها مورد تحسین قرار
می گیرند - دموکرات های شهرها - کارگران و خرده بورژوازی -
به طرف چپ تمایل پیدا می کنند و یوغ کادتها را درهم می شکنند .
صحنه تغییر می کند : « سازش ها » در آستانه گسست و پارگی
هستند . آنان با دهان های کف آلود از بلشویکها صحبت می کنند . مرگ
بر بلشویکها ! در يك حرکت متحد ، نوویه ورمیا و تاوارش ، اکتبريست ها
و کادتها ، و ودوفوزفها و سرومانها ، بر ضد شبح سرخ بلشویسم ،
جنگ صلیبی راه می اندازند . اگر هرگز بلشویسم احتیاج به توجیه
حقانیت تاكتيك های طبقاتی انقلابی خود داشت ، اکنون آن را یافته
است : این حقانیت درخشی که در حمله تمام مطبوعات بورژوایی وجود
دارد ، نهفته است .

اگر دموکرات های انقلابی خرده بورژوا ، در تلاش صمیمانه شان
برای انجام شعارهای خود ، احتیاج به يك درس عینی داشتند ، اکنون
این درس را از اهانت و خواری ثی که بورژوازی میانه و بزرگ بر آنان
روا می دارند ، می آموزند . آنان این درس را از سیاست سازشکارانه ای
که کادتها به دور از چشم خلق (برای توافق با دولت) در پیش گرفته اند ،
فرا می گیرند .

سوسیال دموکرات های انقلابی به تمامی دموکراتها در میان
تهیستان شهر و روستا می گویند که : فقط در اتحاد با پرولتاریا ، فقط با
دورانیدن قیومیت کادتها ، و فقط در يك مبارزه مصمم و دراز آهنگ
علیه حکومت مطلق است که نجات پیدا خواهید کرد . اگر شما بحد کافی
برای این امر بلوغ یافته باشید ، به دنبال پرولتاریا خواهید رفت . و گرنه ،
شما در قیومیت کادتها باقی خواهید ماند . و نتیجه مبارزه انتخاباتی
هر چه که باشد ، چانه زدن ها بر سر کرسی ها بین شما هر نتیجه ای که

داشته باشد، پرولتاریا راه انقلابی طبقاتی خود را تعقیب خواهد کرد.
منشویسم امتحان بسیار مهمی را پشت سر می گذارد. مبارزه
انتخاباتی بنیاد تاکتیک‌های فرصت‌طلبانه آنان شده است. قسمتی از
سوسیال دموکرات‌ها به دام هژمونی ایدئولوژی‌های بورژوا افتاده-
است. حالا دیگر، ایدئولوژی‌های بورژوا به سختی به منشویکها، یعنی
به کسانی که از طرف آنان «سوسیالیست‌های میانه‌حال» (عنوانی که
رش بکار می برد) خوانده می شدند، کسانی که همیشه می شد به آنان
متکی شد، طعنه می زنند. دوستان آنان از جناح راست آنان را به حساب
نمی آورند... آنان فقط آنها را کار گزاران ارادتمند کادتها می دانند.
بخشی از سوسیال دموکرات‌ها آنچنان سقوطی کرده‌اند که بورژوازی
لیبرال آنان را فقط ابزاری سودمند می داند. و پرولتاریای بااندیشه
انقلابی ترجیح می دهد که به سوسیال رولوسیونیستها (چنین بود در
مورد و کلاء انتخاباتی در پایگاه منشویک - حومه ویسورگت) رأی
دهند تا به سوسیال دموکرات‌های این چنین.

بحران اپورتونیزم فرامی رسد. منشویسم، از توافق با سازش-
کاران، ضربه‌ای تعیین کننده نوش جان می کند. واسیلیف‌ها،
مالیفسکی‌ها و لارین‌ها راه را برای... گورستان فرش کرده‌اند.
آشفته‌گی و حالات انفجار افزایش یافته‌ای در داخل صفوف منشویکها
حکم فرما می باشد. مارتف و واسیلیف‌ها و مالیفسکی‌ها را از حزب
بیرون می کند. بگذار کارگران روح وریشه منشویسم را از حزب بیرون
کنند!

شماره ۱۲ پرولتاری

۲۵ ژانویه ۱۹۰۷

توضیحات:

۱- مبارزه انتخاباتی سوسیال - دموکرات درست پترزبورگ که در روزنامه پروستی رشی شماره ۲ منتشر شده بود.
پروستی رشی (به زبان ساده) يك هفته نامه قانونی بلشویکی بود که درست پترزبورگ در سال ۱۹۰۷ چاپ می شد. لنین یکی از نزدیکترین همکاران آن بود. فقط سه شماره آن درآمد شماره يك در ۱۴ ژانویه (۲۷)، شماره ۲ در ۲۱ ژانویه (۳ فوریه) و شماره ۳، ۳۰ ژانویه (۱۳ فوریه)، که بعد از آن توسط دولت تزاری توقیف کردید، به اضافه آن مقاله، که در شماره دوم مجله منتشر شده بود، سومین شماره مجله دوم مقاله از لنین را در برداشت. - مقالات انتخابات هیئت کارگری درست پترزبورگ و «مبارزه بین سوسیال دموکراتها و سوسیال رولوسیونرها در انتخابات هیئت کارگری درست پترزبورگ».

مبارزه انتخاباتی زیرلوی قانون انتخاباتی ۱۱ دسامبر (۲۴)، ۱۹۰۵ بود. این قانون توسط دولت تزاری در زمانیکه قیام کارگران در اوج خود بود، اعلام گشته بوده، که آن گسترش مختصری به آزادی هائی داد که بوسیله قانونی که در انتخابات دوما بولجین در ۶ اگوست (۱۹)، ۱۹۰۵ اعلام شده بود. با این وصف تحت قانون انتخاباتی جدید قسمت اعظمی از جمعیت روسیه حق شرکت نداشتند - تمام زنان، کارگران دربنگاههای کوچک، روستائیان لهستان، سیبری و بسیاری دیگر.

انتخابات دوما غیر مستقیم و چندین مرحله ای بود. که بطور مجزا بوسیله گروه های مختلف جمعیت که به عنوان هیئت انتخاباتی شناخته شده بودند اداره می شد. آنان شامل هیئت انتخاباتی صاحب خانه ها، شهرنشینان، روستائیان و کارگران بودند.

انتخابات در هیئت انتخاباتی صاحب خانه ها و شهرنشینان در دو مرحله

بود. جمعیت شهری (کارگران حذف شده بودند) و uyezded کنگره صاحب خانه‌ها نمایندگان خود را به کنگره فرمانداری gubernia می‌فرستادند که به نوبه خود نمایندگان برای دوما انتخاب می‌کردند.

انتخابات در هیئت انتخاباتی کارگران دارای سه مرحله بود: کارگران نمایندگان در کارخانه‌های خود انتخاب می‌کردند، این نمایندگان برگزیدگانی از میان خود انتخاب می‌کردند. کارخانه‌هایی که بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ کارگر در استخدام داشتند، یک نماینده؛ کارخانه‌های بزرگتر از این برای هر ۱۰۰۰ کارگر یک نماینده می‌فرستادند؛ و کارگاه‌هایی که کمتر از ۵۰ کارگر داشتند سهمی در انتخابات نداشتند.

سیستم چهار مرحله‌ای که برای روستائیان در نظر گرفته شده بود چنین بود: هر ۱۰ خانوار یک نماینده به میتینگ دهکده می‌فرستاد. میتینگ‌های دهکده، هر یک یک نماینده به میتینگ volost می‌فرستادند، کنگره‌ای از میتینگ‌های volost یک نماینده را انتخاب می‌کردند، که این فرد در انتخابات میتینگ gubernia شرکت می‌کرد.

بدین سیاق قانون انتخابات ۱۱ دسامبر (۲۴)، ۱۹۰۵ در هیئت انتخاباتی صاحب خانه‌ها به هر ۲۰۰ رأی دهنده حق انتخاب یک نفر در هیئت انتخاباتی شهر نشینان به هر ۷۰۰ رأی دهنده حق انتخاب یک نفر، در هیئت انتخاباتی روستائیان به هر ۳۰۰۰ رأی دهنده حق انتخاب یک نفر، و در هیئت انتخاباتی کارگران به هر ۹۰۰۰ رأی دهنده حق انتخاب یک نفر را می‌داد. برای مثال، رأی یک صاحب خانه برابر سه رأی بورژوازی شهری، ۱۵ رأی روستائی ۴۵ رأی کارگری می‌بود. برگزیدگان از هیئت کارگری فقط ۴ درصد از برگزیدگانی که نماینده برای دوما می‌کشوری انتخاب می‌کردند را تشکیل می‌دادند.

همانگونه که لنین اشاره می‌کند، این قانون اکثریت قاطع صاحب خانه‌ها و سرمایه‌داران را در دوما تضمین می‌کند و این خام‌ترین تحریف از گزینش خلقی بود.

۲- کادتها - اعضاء حزب سلطنت دموکراتیک. حزب رهبر بورژوازی لیبرال سلطنت طلب در روسیه. حزب کادت در اکتبر ۱۹۰۵ پایه گذاری شد، اعضاء آن شامل نمایندگان بورژوازی، مأموران زمستوو zemstvo، و روشنفکران بورژوا بود. بعضی از اعضاء برجسته حزب از این قرار بودند: پ. ن. میلیوکوف، س. امورومتسوف، و امالکاکف، ا. ای. شینگارف، پ.

ب استرووه و اف. آی. رودیشف. کادتها برای آنکه توده مردم زحمت کش را مجذوب کنند، هر چند که با فراتر از سلطنت مشروطه نمی گذشتند، اسم فریبنده «حزب آزادی مردم» را برای خودبیر گزیدند. آنان هدف اصلی خود را مبارزه با جنبش انقلابی در نظر گرفته، ومشتاق بودند در قدرت دولت با تزار و زمین داران فئودال شریک باشند. کادتها در طی اولین جنگ جهانی، بطور فعالی سیاست خارجی تجاوز طلب دولت تزاری را حمایت می کردند. در زمان انقلاب بورژوا دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷، آنان سعی در حفظ سلطنت می کردند؛ آنان پستهای رهبری دولت موقت بورژوایی را در اختیار داشتند و یک سیاست ضد انقلابی را بر علیه منافع مردم ولی به نفع امپریالیستهای آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی تعقیب می کردند. بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، کادتها دشمنان آشقی ناپذیر قدرت شوروی شدند و در کلیه عملهای مسلحانه ضد انقلابی و مبارزات بر ضد مداخلات دولت در امور اقتصادی و عدم وجود آزادی تجاری شرکت می کردند. زمانی که این گروه و گاردهای سفید شکست خوردند، کادتها به خارج گریختند و در آنجا به فعالیتهای ضد شوروی، ضد انقلابی خود ادامه دادند.

۳- تاوارش (رفیق) - روزنامه بورژوایی که از مارچ ۱۹۰۶ تا ژانویه ۱۹۰۸ در سنت پترزبورگ منتشر شد. این روزنامه ارگان رسمی حزب بخصوصی نبود بلکه سنخگوی کادتها ی چاپ بود. منشویکها با این روزنامه همکاری می کردند.

۴- پرولتری (پرولتاریا) - یک روزنامه بلشویکی غیر قانونی که توسط لنین ادیت می شد؛ از ۲۱ گوست (۳ سپتامبر)، ۱۹۰۶ تا ۲۸ نوامبر (۱۱ دسامبر) ۱۹۰۹ منتشر می شد مجموعاً ۵۰ شماره انتشار یافته بود. کسانی که در کارهای نشریه همکاری فعال داشتند عبارت بودند از: ام. اف. ولادیمیرسکی، و. و. وردوسکی، ای. اف. دو پروولسکی، ا. و. لونا چارسکی؛ قسمت فنی نشریه تحت نظر ا. جی. شلیشتر، ای. ای. شلیشتر و دیگران بودند. بیست شماره اول روزنامه در ویبورگ ادیت شده بود. (قالبها به سنت پترزبورگ فرستاده می شدند و روزنامه در آنجا چاپ می شد؛ و برای پنهان کاری روزنامه تاریخ گذاری مسکو بود). بعدها بار شد مشکلات که نشریک روزنامه غیر قانونی در روسیه هر چه مشکلتر می شد در سنت پترزبورگ و مسکو کمیته های A.S.D.L.P. تصمیم گرفتند که نشر روزنامه در خارج سازمان یابد. شماره های ۲۱ تا ۴۰ در ژنومنتشر شدند و شماره های ۴۱ تا ۵۰ در پاریس.

شماره‌های ۱ و ۲ پرولتری به عنوان ارگان کمیته‌های R.S.D.L.P سنت پترزبورگ و مسکو ظاهر شدند، شماره‌های ۳ و ۴ به عنوان ارگان مسکو و سنت پترزبورگ و کمیته‌های حوزه مسکو K.S.D.L.P ظاهر شدند؛ شماره‌های ۵ تا ۱۱ به عنوان ارگان مسکو و سنت پترزبورگ، کمیته‌های R.S.D.L.P پرم و کورسک، حوزه مسکو درآمدند؛ از شماره ۱۲ به بعد (از شماره‌ای که به خارج برده شد) به عنوان ارگان کمیته‌های R.S.D.L.P مسکو و سنت پترزبورگ ظاهر شد.

عملاً، پرولتری ارگان مرکزی بلشویک‌ها بود. کار اصلی ادیتوری آن توسط لنین انجام می‌شد، که اکثر شماره‌های آن مقالاتی از او داشتند (روی هم بیشتر از ۱۰ مقاله) که درباره مسائل عمده مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بود. روزنامه به مسائل تاکتیک و سیاست‌های عمومی اهمیت بیشتری می‌داد؛ گزارشاتی پرمبنای فعالیت‌های کمیته مرکزی R.S.D.L.P منتشر می‌کرد، تصمیمات و کنفرانس‌های میتینگ تمام اعضاء R.S.D.L.P., G.C., نامه‌هایی از C.C. درباره مسائل مختلف از کار حزب و دیگر مدارک. شماره ۴ یک ضمیمه منتشر کرد که درباره میتینگ اعضاء هیئت ادیتوری خارج از کشور پرولتری، در پاریس از ۸ تا ۱۷ ژوئن بود.

هم‌چنین نتایج میتینگ‌ها را منتشر کرد. روزنامه رابطه نزدیک با سازمان‌های محلی حزب برقرار می‌کرد.

طی سال‌های ارتجاع استولپینسکی، روزنامه نقش مهمی در نگهداری و نیروبخشیدن به سازمان بلشویکی در مبارزه برضد انحلال‌طلبان و تمام دیگر اپورتونیست‌ها بازی کرد. در میتینگ کلیه اعضاء R.S.D.L.P. در ژانویه ۱۹۱۰، منشویک‌ها موفق شدند که با کمک میانجی‌ها، این تصمیم را به‌کنگره قبولانند که تحت این عنوان که باید با فونکسیونالیسم مبارزه کرد، روزنامه پرولتری تعطیل شود.

۵- ترودویک‌ها (گروه ترودویک) - گروهی از دموکرات‌های خردده بورژوا، دهقانان، روشنفکران نارودنیک در دومای دولتی روسیه. گروه، در آوریل ۱۹۰۶ از میان نمایندگان دهقانان در اولین دوما تشکیل شد.

ترودویک‌ها خواست‌های مربوط به الغای تمام محدودیت‌های اجتماعی - اربابی و ملی، دموکراتیزه کردن زمستوف‌ها (Zemstovs) و ارگان‌های خود-مختار، و حق رأی عمومی در انتخابات برای دومای دولتی را مطرح کردند. برنامه ارضی ترودویک‌ها بر اصول نارودنیک‌ی اجاره‌داری مساوات طلب زمین

متکی بود. استقرار صندوق ملی زمین از زمین‌های حکومتی، سلطنتی و زمین‌های مربوط به شاه که قرار بود زمین‌های تحت مالکیت خصوصی، در صورتی که بیشتر از استاندارد کار بود (یعنی، مقدار زمینی که صاحب آن بدون کمک دیگران بتواند کشت کند) به آن اضافه شود. آنان پرداخت خسارت به اربابان اراضی مصادره شده را می‌پذیرفتند. لنین می‌گفت که ترودویک تپیک دهقانی است که «برای مستقر شدن آرام و ساکت بر روی قطعه زمین خود تحت نظام بورژوازی، چندان انزجار و تنفیری هم نسبت به سازش یا سلطنت ندارد؛ بلکه، در حال حاضر، کوشش عمده او متمرکز جنگ با زمیندار برسر زمین، و جنگ با دولت فئودالی برای دموکراسی است.» (مجموعه آثار، جلد یازدهم، ص ۲۲۹).

ترودویک‌ها در دومای دولتی، به سبب، ماهیت طبقاتی مالکان خرده-بورژوا، بین کادتها و سوسیال‌دموکرات‌ها در نوسان بودند. با این حال، چون ترودویک‌ها نماینده توده‌های دهقانی بودند، بلشویک‌ها تا کتیک توافق با آنان را در برخی مسائل در مبارزه بر علیه اشرافیت تزاری و کادتها در پیش گرفتند. در ۱۹۱۷، گروه ترودویک در حزب سوسیالیست توده‌ای ادغام شد و به حمایت فعال از حکومت موقت بورژوازی پرداخت. پس از انقلاب اکتبر، ترودویک‌ها به جبهه بورژوازی رفتند.

۶. نیک. ایسکی-ن. ی. یردانسکی.

۷. دومین کنفرانس حزب کارگران سوسیال‌دموکرات روسیه (ح. ک. س. د. ر.) (اولین کنفرانس) از ۳ تا ۷ نوامبر (۱۶ تا ۲۰) ۱۹۰۶، در تامرفورز (Tammerfors) تشکیل شد. در این کنفرانس ۳۲ نماینده با حق رای تصمیم‌گیری حضور داشتند. ۱۱ نماینده از منشویک‌ها، ۷ نماینده از بوند، ۶ نماینده از بلشویک‌ها، ۵ نماینده از سوسیال‌دموکرات‌های لهستان و لیتوانی، و ۳ نماینده از سوسیال‌دموکرات‌های منطقه لاتوین. اعضای کمیته مرکزی و دبیران ارگان مرکزی، با رأی مشورتی برگزیده شدند.

کنفرانس مفاد زیر را تصویب نمود: (۱) مبارزه طبقاتی، (۲) کنگره حزبی، (۳) کنگره کار. (۴) مبارزه بر علیه صد سیاهان و کشتارهای عام، (۵) عملیات پارتیزانی طی انقلاب.

کمیته مرکزی منشویک‌ها، با استفاده از نمایندگی تعدادی سازمان‌های موهوم، اکثریتی را برای منشویک‌ها تأمین کرد که آنان را قادر ساخت چند رهنمود منشویکی به کنفرانس تحمیل کنند. در کنفرانس، ۱۴ نماینده سنت

پترزبورگ، مسکو، بخش صنعتی مرکزی، جبهه ولگا و سوسیال دموکرات‌های لهستان و لاتوین از خط بلشویک‌ها دفاع می‌کردند. دربارهٔ مبارزهٔ انتخاباتی برای دومین دومأ دولتی، چهار گزارش به کنفرانس ارائه شد. لنین و آ. وارسکی (آ.س. وارشائوسکی)، نماینده‌ای از سوسیال دموکرات‌های لهستان و لیتوانیا، از تاکتیک‌های بلشویکی بر علیه اتحاد با کادتها دفاع کردند. از تاکتیک‌های منشویکی دایر بر اتحاد با کادتها، ل. مارتف و آ. آبرامویچ بوندیست، دفاع کردند.

پس از بحث پیرامون گزارش‌ها، کنفرانس رهنمود منشویکی دربارهٔ «تاکتیک‌های ح.ک.س.د.ر. در مبارزهٔ انتخاباتی» را پذیرفت، که اجازهٔ اتحاد با کادتها را می‌داد. و به رأی گیری بین ۱۸ نمایندهٔ (منشویک‌ها و بوندیست‌ها) در مقابل ۱۴ نماینده، گذاشته شد. لنین، در مخالفت با این راه حل فرصت طلبانه، تبصرهٔ واحده‌ای (Special Proviso) را به نفع ۱۴ نماینده پیش کشید. پلاتفرم بلشویکی برای مبارزهٔ انتخاباتی، که بر ضرورت استقلال ایدئولوژیک و سازمانی حزب طبقه کارگر تأکید داشت. تبصرهٔ واحده امکان توافق‌های موقت، فقط پاترودویک‌ها و سوسیال رولوسیونرها، به عنوان نمایندگان دموکراسی خرده-بورژوازی، را اجازه می‌داد. لنین برنامهٔ انتخاباتی اجمالی منشویکی را که از سوی کمیتهٔ مرکزی برای تصویب در کنفرانس ارائه شد، مورد انتقاد قرار داد و تعدادی پیشنهادات اصلاحی در مورد آن داد. کنفرانس، تحت فشار بلشویک‌ها، راه‌حلی را پذیرفت که تعدادی اصلاحیه بر پلاتفرم انتخاباتی اجمالی را ارائه می‌کرد.

با پیشنهادات اصلاحی لنین، کنفرانس راه‌حلی مبنی بر وحدت سازمان‌های محلی در مبارزهٔ انتخاباتی، را پذیرفت که مانع از آن می‌شد که کمیتهٔ مرکزی منشویکی سیاست خویش را در مورد اتحاد با کادتها در سازمان‌های محلی حزب اعمال نماید.

لنین بر لزوم کنگرهٔ فوق العادهٔ حزبی پای فشرد، و کنفرانس تصمیم به فراخواندن کنگرهٔ منظم زودتر از ۱۵ (۱۸) مارس ۱۹۰۷ گرفت. علیرغم خواست بلشویک‌ها، دایر بر اینکه موضوع «کنگرهٔ کار» باید مورد بحث قرار گیرد. چون آنان آژیتاسیون برای هواداری از چنین کنگره‌ای را به عنوان رخنه‌ای در انضباط حزبی تلقی می‌کردند. کنفرانس دربارهٔ موضوع به بحث نشست، ولی خود را محدود به این کرد که راه حلی مصالحه‌وار در مورد «محدوده‌های آژیتاسیون برای کنگرهٔ کار» را به تصویب رساند.

به خاطر ضیق وقت، موضوع مبارزه بر علیه صدسیاهان و مبارزه با کشتارهای عام، و موضوع مربوط به عملیات پارتیزانی مورد بحث قرار نگرفت. کنفرانس به کمیته مرکزی مأموریت داد که، در گزارش کوتاهی از کار کنفرانس، تمام رهنمودهای اجمالی و تبصره‌های واحد را منتشر نماید، با این حال، کمیته مرکزی منشویکی، فقط، راه حل‌های کنفرانس را در ازگان خود، سوسیال دموکرات، منتشر نمود، و تبصره واحد بلشویک‌ها را حذف کرد.

لنین کار کنفرانس را در «اتحاد با کادتها»، و «انضباط حزبی و جنگ بر علیه سوسیال دموکرات‌های هوادار کادت» تحلیل و نقد کرده است (مجموعه آثار، جلد یازده، صفحات ۱۹-۳۰۷ و ۲۳-۳۲۰).

۸. بوند (اتحادیه عمومی کارگران یهود لیتوانیا، لهستان و روسیه) در سال ۱۸۹۷، در یک کنگره افتتاحی گروه‌های سوسیال دموکرات یهود، در ویلنو سازمان یافت. اساساً، این، ائتلافی بود از عناصر نیمه پرولتر از میان پیشه‌وران یهود منطقه‌های غربی روسیه. در نخستین کنگره ح. ک. س. د. ر (۱۸۹۸)، بوند، به عنوان یک سازمان خودگردن (autonomous)، که تنها در رابطه با مسائل ویژه مرتبط با پرولتاریای یهود، مستقل بود، به حزب پیوست.

بوند ناسیونالیسم وجدایی طلبی را وارد جنبش کارگری روسیه نمود. در آوریل ۱۹۰۱، کنگره چهارم بوند به تغییر مناسبات سازمانی با ح. ک. س. د. ر، که در نخستین کنگره تصویب شده بود، رأی داد؛ با اشاره به راه حل آن که ح. ک. س. د. ر. را به مثابه انجمنی فدراتیو از سازمانهای ملی می‌دانست که بوند نیز می‌باید به عنوان واحدی از این فدراسیون به آن بپیوندد.

بدنبال رد تقاضای بوند - مبنی بر اینکه بوند باید تنها نماینده پرولتاریای یهود تلقی شود - از سوی کنگره دوم ح. ک. س. د. ر، بوند حزب را ترک کرد، و در سال ۱۹۰۶ بر اساس تصمیمات کنگره چهارم (وحدت) ح. ک. س. د. ر، دوباره به حزب پیوست.

در درون ح. ک. س. د. ر، بوندیست‌ها حامیان سرسخت جناح فرصت طلب (اکنونومیست‌ها، منشویک‌ها و انحلال طلبان) بودند، و مبارزه‌ای بر علیه بلشویک‌ها و بلشویسم را دنبال می‌کردند. بوند، در مخالفت با خواست بلشویکی دایر بر حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش، خواست استقلال داخلی (autonomy) ملی و فرهنگی را پیش کشید.

بوند، در دوران ارتجاع استولپین، موضع انحلال طلبانه اختیار نمود و شرکت فعالی در تشکیل بلوک آگوست ضد حزب نمود. در طول دوره جنگ اول جهانی (۱۸-۱۹۱۴)، بوندیست‌ها موضع سوسیال - شوونیستی اختیار کردند. در ۱۹۱۷، بوند از حکومت موقت ضد انقلابی حمایت کرد و در جهت دشمنان انقلاب سوسیالیستی اکتبر جنگیدند و رهبران شان نیروهای خود را، در جنگ داخلی و مداخلات بیگانه، با نیروهای ضد انقلاب پیوند دادند. با این حال، در میان صفوف پائین بوند، نوساناتی به سوی همکاری با قدرت شورایی مشاهده می‌شد. در مارس ۱۹۲۱، بوند به سوی انحلال داوطلبانه رفت و بخشی از اعضای آن به حزب کمونیست روسیه (بلشویک‌ها)، بر اساس پایه‌های عمومی آن، ملحق شدند.

۹. صدسیاهان - گروه‌های سلطنت طلب که از سوی پلیس تزاری برای جنگ با جنبش انقلابی سازمان داده شدند. صدسیاهان انقلابیون را ترور می‌کردند، به روشنفکران مترقی حمله می‌کردند و قتل عام‌های ضد یهود را سازمان می‌دادند.

۱۰. کنفرانس شهر وگوبرنیای تشکیلات سنت پیترزبورگ ح. ک. س. د. د. در ۶ ژانویه ۱۹۰۷ تشکیل شد تا در مورد توافق‌ها در انتخابات دومین دومای دولتی تصمیم بگیرد. این کنفرانس، با حضور ۷۰ نماینده (۳۹ بلشویک و ۳۱ منشویک) تشکیل شد. بدنبال پذیرش کنفرانس مبنی بر رد تکتیک اتحاد با کادتها، منشویک‌ها از کنفرانس خارج شدند.

نمایندگان بلشویک، گزارش لنین را در مورد موضوع استماع کردند و به این تصمیم رسیدند که توافق با کادتها، از نظر اصول، ناروا و ممنوع، و از نظر سیاسی، خسارتبار است.

۱۱. سوسیال دولوسیونرها (ا. ا. ها). حزبی خرده بورژوازی که در اواخر ۱۹۰۱ و اوایل ۱۹۰۲، از طریق ادغام تعدادی گروه‌های نارودنیک و محافل دانشجویی (اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی، حزب انقلابیون سوسیالیست و دیگران)، در روسیه، شکل یافت. انتشارات رسمی آنها، دولوتسیونایا روسیا (روسیه انقلابی) (۱۹۰۰-۰۵) و ژودنال وست نیک دوسکوی دولوتسینی (پژواک انقلاب روسیه) (۱۹۰۱-۰۵) بود. سوسیال رولوسیونرها خط مرز مشخص بین پرولتاریا و خرده بورژوازی نمی‌کشیدند و تمایز و تضاد طبقاتی بین دهقانان را نمی‌دیدند و نقش رهبری پرولتاریا را در انقلاب انکار می‌نمودند. نقطه نظرات آنان آمیزه‌ای التقاطی از ایده‌های نارودنیک و

انقلابیگری بود؛ به قول لنین، آنان می‌کوشیدند «عاریه‌های ایده‌های ناردرنیکی را با تکه پاره‌های «نقدگرایی» فرصت‌طلبانه مارکسیسم وصله پینه کنند (مجموعه آثار، جلد ۹، ص ۳۱۰)». تاکتیک‌های ترور فردی که سوسیال رولوسیونرها آن را به عنوان روش مبارزه بر علیه اشرافیت موعظه می‌کردند، برای جنبش انقلابی، به غایت زیانبار بود و سازماندهی توده‌ها برای مبارزه انقلابی را دشوار ساخت.

برنامه ارضی سوسیال رولوسیونرها الغای مالکیت خصوصی بر زمین و انتقال آن به کمون‌ها، ارائه «استانداردکار» و «مساوات طلبی» در اجاره داری زمین را در نظر داشت؛ آنان، همچنین، هوادار گسترش تعاونی‌ها بودند. سوسیال رولوسیونرها این برنامه را «سوسیالیزه کردن زمین» می‌نامیدند، اما درحقیقت، این برنامه چیزی نداشت که سوسیالیست خوانده شود. لنین، در تحلیل خویش از برنامه ارضی سوسیال رولوسیونرها، گفت که ابقاء تولید کالایی و مالکیت خصوصی در زمینه‌های تحت مالکیت عمومی، حاکمیت سرمایه را از میان بر نمی‌دارد، کارگران کشاورز را از استثمار و نابودی رها نمی‌کند؛ تعاونی تحت نظام سرمایه‌داری وسیله‌ای برای نجات دهقانان خرد نیست، چرا که تنها در خدمت افزایش ثروت بورژوازی روستا عمل می‌کند. در عین حال، لنین می‌گفت که خواست اجاره داری مساوات‌گرایانه، زمین، هر چند خواستی سوسیالیستی نیست، ولی محمل خصیلتی مترقی، انقلابی و دموکراتیک بود، زیرا که بر علیه زمینداری ارتجاعی جهت گرفته بود. حزب تلاش‌های سوسیال رولوسیونرها را در پوشاندن خرقة سوسیالیسم بر خویش، افشاء کرد، مبارزه‌ای سرسخت بر علیه آنان، برای نفوذ بر دهقانان، را به انجام رساند، و زیان ترور فردی را برای جنبش طبقه کارگر افشا نمود. با این حال، تحت شرایطی خاص، برای مبارزه با تزاریس، بلشویک‌ها وارد توافق‌هایی موقتی با سوسیال رولوسیونرها شدند.

سوسیال رولوسیونرها یک حزب طبقاتی همگن نبودند و این امر پیش شرط ناپایداری ایدئولوژیک و سیاسی، گسیختگی تشکیلاتی و نوسان مداوم آنان بین بورژوازی لیبرال و پرولتاریا بود. در آغاز انقلاب اول روسیه، جناح راست سوسیال رولوسیونرها جدا شد و با ترودویک‌ها حزب سوسیالیست توده‌ای را تشکیل دادند که دیدگاهش به دیدگاه کادتها نزدیک بود؛ جناح چپ نیز جدا شد و اتحاد نیمه‌آنارشستی ماکسیمالیست (Maximalists) را تشکیل داد. در دوره ارتجاع استولیپینی، حزب سوسیال رولوسیونر دچار سقوط کامل

ایدئولوژیک و تشکیلاتی شد. طی نخستین جنگ جهانی، اکثریت سوسیال رولوسیونرها موضع سوسیال-شوونیستی را پذیرفتند.

پس از انقلاب بورژوا-دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷، سوسیال رولوسیونرها، به همراهی منشویکها و کادتها، پشتوانه حکومت موقت ضدانقلابی بورژوائی و زمینداران را تشکیل می دادند، و رهبران شان (کرنسکی، آوکسنتیف، چرتف) اعضای حکومت بودند. سوسیال رولوسیونرها از حمایت از خواست دهقانان مبنی بر الغای مالکیت زمینهای اربابی امتناع کردند و به نفع ابقاء زمینداری برخاستند؛ وزرای سوسیال رولوسیونر در حکومت موقت، قشون-های تنبیهی بر علیه دهقانانی که زمینهای اربابی را تصرف کرده بودند، گسیل نمودند.

در پایان نوامبر ۱۹۱۷، جناح چپ حزب، حزب مستقل سوسیال رولوسیونرهای چپ را سازمان داد، و برای کوشش در جهت حفظ نفوذشان در میان تودههای دهقانی، ظاهرآ، قدرت شورایی را به رسمیت شناخت و وارد توافقی با بلشویکها گردید. با این حال، بزودی، راه مبارزه با قدرت شورایی را در پیش گرفت.

در دوره مداخله مسلحانه بیگانه و جنگ داخلی، سوسیال رولوسیونرها فعالیتهای ضدانقلابی ویرانگری راهدایت کردند، از مداخله گران و گاردهای سفید حمایت نمودند، در توطئه‌های ضد انقلاب شرکت کردند، و اعمال تروریستی بر علیه رهبران دولت شورایی و حزب کمونیست سازمان دادند. پس از جنگ داخلی، سوسیال رولوسیونرها به اعمال دشمنانه بر علیه دولت شورایی، هم در کشور و هم در خارج از کشور و در میان مهاجران گارد سفید، ادامه دادند.

۱۲. (ش گفتاد)، از گان رسمی کادتها که بصورت یومیه از ۲۴ فوریه (۸ مارس) ۱۹۱۶، در سنت پترزبورگ، منتشر می شد. این روزنامه، به دستور کمیته انقلابی نظامی شورای پتروگراو در تاریخ ۱۲۶ اکتبر (۸ نوامبر) ۱۹۱۷، تعطیل شد. این روزنامه، تا اوت ۱۹۱۸، به حیات خود زیر نامهای مختلف دیگر ادامه داد - ناشلاش (گفتادها)، سوپونا پادش (گفتادآزاد)، وک (سده)، نوایداش (گفتاد نوین)، ناش دک (سده ما) نامهای دیگر آن بودند.

۱۳. نادودنایا زعلیا (سرزمین مادری) - هفته نامه‌ای که موضعی نزدیک به موضع ترودویکها را داشت؛ از ژانویه تا آوریل ۱۹۰۵ در سنت پترزبورگ منتشر می شد.

تان - اسنم مستعارو. گ. بوگوراز، روزنامه نگار، یکی از سازماندهان حزب نیمه کادت سوسیالیست توده‌ای.

۱۴. مودد لیدوال - ا. لیدوال سفته باز بزرگی بود که در ۱۹۰۶ به گوپرنیا (حومه) های قحطی زده غذا می‌رساند؛ او نماینده و.ای. گورکو، وزیر کشور بود. افشای اختلاس او از انبارهای حکومت وزمین خواری اش، حکومت تزاری را مجبور به عزل او کرد. با این حال، بی‌کیفر باقی ماند.

ترورهرزشتاین، نماینده کادت برای نخستین دومای دولتی، کار صد میاهان بود؛ این سوء قصد در ۱۸ (۳۱) ژوئیه ۱۹۰۶، در فنلاند، رخ داد. ۱۵. سودنایا (امروز) - روزنامه بورژوا لیبرال عصر از سال ۱۹۰۶ تا سال ۱۹۰۸ در سنت پترزبورگ منتشر می‌شد.

دوس (دوسیه) - روزنامه بورژوا لیبرال صبح، با گسست‌ها و نام‌های مختلف - دوس (دوسیه)، مسولوا (شنیده‌ها)، دو اتسائی وک (قرن بیستم) - از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۸، در سنت پترزبورگ، منتشر می‌شد. استرانا (کشود) - روزنامه بورژوا لیبرال صبح، در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷، در سنت پترزبورگ، منتشر می‌شد.

۱۶. تفسیرات سنا - تعلیماتی درباره، و تفسیراتی از، قانون ۱۱ (۲۴) دسامبر ۱۹۰۵ انتخابات دومای دولتی، منتشره از سوی سنا. تفسیرهای سنا گروه‌های بیشماری از جمعیت - برخی از کارگران، دهقانان و غیر روسیان - را از حق انتخاب محروم کرد.

۱۷. اکتبريست‌ها - اعضای اتحادیه هفده اکتبر، حزبی که پس از انتشار مانیفست تزار در مورد ۱۷ اکتبر ۱۹۰۵، در روسیه تشکیل شد. این یک حزب ضد انقلابی نماینده و مدافع منافع بورژوازی بزرگ و زمینداران سرمایه‌دار بود. صنعتگر و صاحب‌خانه برجسته مسکو، آ. ی. گوچکوف، و زمیندار بزرگ، م. و. رودزیانکو، در رأس این حزب قرار داشتند. اکتبريست‌ها از سیاست داخلی و خارجی حکومت تزاری، حمایت کامل می‌کردند.

۱۸. گولوس‌پری کاژچیکا (فریاد شاگرد مغازه‌ها) - هفته‌نامه‌ای که از آوریل تا اکتبر ۱۹۰۶، در سنت پترزبورگ، منتشر می‌شد.

۱۹. نوویه ودمیا (عصر جدید) روزنامه صبح، از ۱۸۶۸ تا اکتبر ۱۹۱۷، در سنت پترزبورگ، منتشر می‌شد. این روزنامه کار خود را، به عنوان روزنامه لیبرال میانه‌رو، شروع کرد. با پایان دهه هفتاد قرن نوزده، تبدیل به ارگان محافل ارتجاعی اشرافیت و بوروکراسی شده بود. این روزنامه،

مبارزه‌ای بر علیه نه فقط جنبش انقلابی، بلکه بر علیه بورژوازی لیبرال نیز، ساز کرده بود. از ۱۹۰۵ به بعد، یکی از ارگان‌های صدسیاهان بود. لتین نوویه ودمیا را «مستوره مطبوعات چیره‌خوار» نامیده است.

کمونستهای انقلابی

www.k-en.com

info@k-en.com